

**اهل بيت ﷺ از منظر
محمد بن عبدالوهاب
و دعوتگران اهل نجد**

ترجمة كتاب: (الإمام محمد بن عبدالوهاب وأئمة الدعوة النجدية وموقفهم من آل البيت ﷺ)

به قلم: خالد بن أحمد الزهراني

بازنگری از: شیخ علوی بن عبد القادر سقاف

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله العوضي

چاپ اول 1429 / 1387 هـ

شناسنامه کتاب

اهل بیت از منظر محمد بن عبدالوهاب و دعوتگران اهل نجد	نام کتاب:
خالد بن أحمد الزهرانی	نویسنده:
اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی	ترجمه:
انتشارات حقیقت	ناشر:
۱۵۰۰۰	تیراژ:
۱۳۸۷هـ ش برابر با ذوالحجه ۱۴۲۹هـ ق	سال چاپ:
اول	نوبت چاپ:
En_Haghighat@yahoo.com	آدرس ایمیل:
www.aqeedeh.com	
www.ahlesonnat.net	
www.isl.org.uk	سایتهای مفید:
www.islamtape.com	

فهرست مطالب

ص	عنوان	م
۶	پیشگفتار	۱
۹	مقدمه	۲
۱۰	انگیزه نوشتن این رساله	۳
۱۴	محمد بن عبدالوهاب کیست؟	۴
۱۷	اندکی تأمل و تحقیق	۵
۲۱	فرزندانش را با نامهای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> نامگذاری می کند	۶
۲۲	وصایایی مربوط به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	۷
۲۵	پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است	۸
۲۶	اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی را دارند	۹
۲۸	وجوب صلوات بر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و اهل بیت در هر نمازی	۱۰
۳۰	برای خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> بر امت حقوقی است که هیچ کس با آنان شریک نخواهد شد و آنان این شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند که برای دیگران چنین نیست	۱۱
۳۱	دادن لقب مرتضی به علی <small>علیه السلام</small> و اعتقاد به اینکه ایشان بزرگترین یار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> می باشند	۱۲
۳۲	شهادت حسین <small>علیه السلام</small> در روز عاشورا کرامتی از جانب خدا بود	۱۳
۳۶	این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی <small>علیه السلام</small> می باشد	۱۴

م	عنوان	ص
۱۵	حدیث دیگری راجع به فضیلت علی <small>علیه السلام</small>	۳۸
۱۶	فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> پاره تن رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	۳۸
۱۷	فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> سرور زنان جهان	۳۸
۱۸	نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن <small>علیهم السلام</small> انکار می کنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف می نماید	۳۹
۱۹	توصیف حسن بن علی به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار می کند	۴۰
۲۰	تنزیه اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از قبایح و زشتیها	۴۱
۲۱	حق از علی بن ابی طالب و یارانش نزدیکتر بود تا به معاویه و یارانش	۴۳
۲۲	علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	۴۴
۲۳	نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند	۴۴
۲۴	موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۴۵
۲۵	کسی که به کتاب خدا، سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه نخواهد شد	۴۵
۲۶	بدون شک قرآن و سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> خواهان محبت و مودت اهل بیت هستند	۴۹
۲۷	محبت علی <small>علیه السلام</small> نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است	۵۹
۲۸	اهل مدینه و اهل بیت <small>علیهم السلام</small> گردانندگان سنت می باشند	۶۰

ص	عنوان	م
۶۲	راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده	۲۹
۶۲	علی <small>علیه السلام</small> خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد	۳۰
۶۴	محبت اهل بیت از چند طریق واجب است	۳۱
۶۵	محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد	۳۲
۶۶	استفاده از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای متمسبین به اهل بیت	۳۳
۶۹	فضیلت علی <small>علیه السلام</small> و مناقب فراوان او	۳۴
۷۰	فاطمه <small>علیها السلام</small> از زنان کامل و سید زنان بهشت است	۳۵
۷۱	علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> بزرگترین هدایت دهنده است	۳۶
۷۲	شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به خدا قرار می‌دهند	۳۷
۷۶	محبت اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> یکی از اصول اهل سنت و جماعت است	۳۸
۸۳	کتابی راجع به فضیلت و دانش اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۹
۸۴	علی، فاطمه، حسن و حسین <small>علیهم السلام</small> فاضل‌ترین اهل بیت می‌باشند	۴۰
۸۵	علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> عاقل‌ترین، ماهرترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است	۴۱
۸۸	کسانی که علی <small>علیه السلام</small> را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند	۴۲
۶۷	خاتمه	۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلق الله
أجمعين، نبينا وحبينا وقرّة أعيننا محمد بن عبد الله القائل: «أذكركم الله
في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي»
وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوند، محبت و موالات و تقدیر از اهل بیت پیامبر ﷺ را
بر مسلمانان فرض و واجب گردانیده است؛ اما متأسفانه مردم
راجع به این قضیه به دو دسته تقسیم شده‌اند: افراط‌گرایانی که
مقام و منزلتی والاتر از مقام و منزل واقعی را به اهل بیت داده‌اند و
آنها را از صفات بشری بیرون آورده و صفات پروردگار ازلی و
ابدی را به آنها داده‌اند؛ اینها مدعی هستند که نسبت به اهل بیت
محبت می‌ورزند، اما چه بسا این محبت آنها را به درجه نفرت از
سایر اصحاب ﷺ رسانیده است.

و دسته‌ی دوم تفریط‌گرایانی هستند که نسبت به اهل بیت
نفرت می‌ورزند، اینها از مقام اهل بیت کاسته و در حق آنها
گستاخی می‌نمایند.

خداوند در این میان اهل سنت و جماعت را به دیدگاهی میانه هدایت داد: آنان نسبت به اهل بیت محبت و دوستی را اعلام کردند و وصیت پیامبر ﷺ راجع به آنها را پیروی نمودند و در حق آنها از افراط و تفریط دوری گزیدند و آن را به عنوان اصلی از اصول دینشان قرار دادند و آن را در عقیده و بینش خود جایی دادند. و از جمله‌ی این افراد شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله است که در عقیده - مشهور به وسطیت - خود بیان داشته: از جمله اصول اهل سنت و جماعت این است که اهل بیت پیامبر ﷺ را دوست دارند و آنها را همانند ولی و سرپرست خود تلقی می‌نمایند و وصیت پیامبر ﷺ راجع به آنها را پیروی می‌نمایند.

لازم به ذکر است که افراط‌گرایان تمامی مخالفین خود را متهم کرده‌اند که: نسبت به اهل بیت دچار کینه و دشمنی شده‌اند و پیامبر ﷺ را دوست ندارند. و از جمله کسانی که در حد وسیعی با این گونه تهمتهای باطل مواجه شده شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش می‌باشند. از این رو خداوند جهت ابطال این افترا شخصیتی همانند خالد الزهرانی را برگزید تا از ضمن کتابهایشان اقوال راجع به اهل بیت را گردآوری نماید و آنها را از این تهمت ناروا تبرئه نماید، ایشان تمامی اقوال آنها راجع به محبت و موالات اهل بیت را گردآوری نموده و بیان داشته که محبت اهل

بیت از منظر آنها به عنوان اصلی از اصول عقیده محسوب می‌باشد، ایشان جای هیچ‌گونه سخنی را برای افتراگرایان جا نگذاشته و هر آنچه نقل نموده با اشاره به جلد و شماره صفحه‌ی کتاب سخن خود را تقویت نموده است.

از خداوند خواهانم که در برابر این عمل نیک و وارسته او را از خیر و پاداش بهره‌مند گرداند. وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

به قلم: علوی بن عبدالقادر السقاف

مقدمه

سپاس خدایی را که پیامبرش محمد ﷺ را همراه با ائین راستین فرستاده تا آن را بر همه‌ی آئینهای دیگر چیره گرداند، هر چند مشرکان دوست نداشته باشند، و به وسیله‌ی قرآن، او و یاران بزرگوارش و خاندان پاک ایشان را - که خداوند پلیدی را از آنها زدود و آنها را پاکیزه گرداند- یاری داد و تثبیت نمود.

آن‌گونه سزاوار شأن و عظمت اوست به ستایش وی می‌پردازم. و از او می‌خواهم که رحمت و برکت خویش را تا روز قیامت بر پیامبر و خاندان هدایتگرش و یاران خجسته و همسرانش (امهات المؤمنین) و بر کسانی که از سنت و هدایت آنها تبعیت کردند و آثارشان را برگزیدند، نازل فرماید.

شهادت می‌دهم که جز «الله» هیچ معبودی بحق، فرمانروا و فریادرسی وجود ندارد. تا که به وسیله آن، در روزی پیروزی را به چنگ آورم که اموال و اولاد سودی نمی‌رساند، و تنها کسی که با دل سالم به پیشگاه خدا آمده باشد نجات پیدا می‌کند، و شهادت می‌دهم که محمد فرستاده، دوست و برگزیده اوست، تا که به وسیله آن، در روز قیامت مورد شفاعتش واقع شوم. اما بعد،،

انگیزه نوشتن این رساله

پیگیری آنچه در مورد بزرگان سرشناسی نوشته شده که شهرتشان به آفاق رسیده است، - اما برخی از حال ایشان آگاه بوده و دیگران ناآگاه مانده‌اند - به ما می‌آموزد که از جمله بارزترین این اشخاص شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمته الله علیه است؛ آن بزرگواری که نویسندگان بسیاری در مورد زندگی‌نامه‌ی وی قلم فرسایی کرده‌اند؛ در این میان کسانی بوده‌اند که به نحو شایسته‌ای دعوت و منهج او و پیروانش را بیان کرده، و کسانی نیز از روی عمد به او دروغ بسته‌اند و بی ادبی کرده‌اند و اتهاماتی را به او نسبت داده‌اند؛ لازم به ذکر است که کمترین ویژگی افتراگرایان این است که نسبت به حال او بی اطلاع بوده و در مسائل و بحث‌های بسیاری تنها نقل قول کرده‌اند... از جمله موضع ایشان در برابر اهل بیت علیهم السلام.

اینجا بود که در نوشتن رساله‌ای مورد اعتماد، پیش خداوند استخاره کردم تا از لابه‌لای کتابها و رساله‌های مخصوص ایشان موضع این شیخ اصلاحگر و نوه‌ها و اتباع ایشان در برابر اهل بیت علیهم السلام مشخص سازد تا ببینند که شیخ عنایت بیش از حدی نسبت به این زمینه داشته است، چون حقیقتاً نوشته‌ها و تألیفات ایشان (محمد بن عبدالوهاب) شاهد مطمئنی بر اعتقاد او درباره اهل بیت

پیامبر ﷺ است.

لازم به ذکر است که پاره‌ای از سخنان شیخ و پسرانش و نوه‌هایش و پیروانش را آورده‌ام تا این عقیده - که به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و فهم سلف صالح استناد نموده - میان پیروان این دعوت شایع گردد.

برای نوشتن این رساله خلاصه‌نویسی و عدم اطناب را برگزیدم، زیرا مسأله بسیار واضح و آشکار است و شیخ از امامان اهل سنت و جماعتی است که خاندان پیامبر ﷺ را دوست دارند و نسبت به حقوق و منزلتشان واقف هستند.

خواننده گرامی را آگاه می‌سازم که من به خاطر اختصار و عدم بساط از نقل بسیاری از سخنان ایشان در خصوص اهل بیت صرف نظر کرده‌ام و در اینجا به ذکر سه نمونه از کتابهای شیخ محمد بن عبدالوهاب اکتفا می‌نمایم:

نخست: ذکر اهل بیت ﷺ در هنگام صلوات و درود فرستادن بر رسول اکرم ﷺ به عنوان مثال به نمونه‌های زیر مراجعه فرمائید: (کشف الشبهات: ۱/۱۸۱)، (کتاب التوحید: ۱/۱۵۱)، و (فضل الإسلام: ۱/۲۶۷) و (مفید المستفید: ۱/۳۲۵) و بسیاری از سخنرانی‌های ایشان، از جمله: (ص: ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۹، ۳۷...) و غیر از اینها.

دوم: هر وقت که از اهل بیت یا یکی از آنها سخن می‌راند برای آنها طلب رضایت و ترحم می‌نماید.
 به عنوان مثال تنها به صفحات ارائه شده‌ی کتاب زیر نگاه کن (التوحید: ص: ۲۰، ۲۲، ۳۵، ۵۶، ۶۴، ۷۴، ۸۲، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۱۱۲، ۱۴۹...).

اینها تنها در کتابچه‌ای کوچک از کتابهای ایشان است، چه برسد به سایر کتابهای ایشان!!؟

سوم: جاهای بسیاری در کتابهای ایشان هست که در آن اختیارات فقهای اهل بیت و مجتهدین بزرگشان را در شاخه‌های شرعی و فقهی ذکر کرده است.

به عنوان مثال: در کتاب (مختصر الإنصاف)، کتاب الزکاة (۲۲۷/۱) و کتاب الصیام (۲۵۵/۱) و باب إحرام (۲۷۹/۱) و باب قربانی و ذبح (۳۵۲/۱).

همچنین کتاب مناسک قسمت حدیث (مسأله ۱۱۳)، (۴۷/۳)، و باب حد مسکر و تعزیر قسمت حدیث (مسأله ۱۷۵۶)، (۲۴۲/۴). و کسی که بخواهد به آنها دست یابد، باید به صورت کلی کتابهایش را مطالعه کند، آنگاه در خواهد یافت که نمی‌تواند آن را شمارش کند، خدا خیرشان بدهد.

در نقل قول از این بزرگوار به مجموع نوشته‌های ایشان از

انتشارات دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامی در ریاض اعتماد کردم.

اما سایر اقوالی که از غیر ایشان بوده با ذکر منبع و ذکر صفحات آورده‌ام.

در اینجا لازم است که از استاد مهربانم «سید علوی بن عبدالقادر سقاف» که وقت گرانبهای خود را برای بازنگری این کتاب صرف کرده تشکر کنم.

از خداوند منان برای ایشان در خواست اجر و ثواب را دارم.

خالد بن أحمد زهرانی

محمد بن عبدالوهاب کیست؟

محمد بن عبدالوهاب اصطلاحگری است که در دل شبه جزیره عربستان چشم به جهان گشود. آنگاه که مردم آن دیار در تاریکی تمام و دوری از کتاب خداوند و سنت رسولش ﷺ زندگی می‌کردند، گروهی درختان را می‌خواندند و گروهی دیگر از سنگها چیزهایی را درخواست می‌کردند که فقط از خداوند غفار درخواست می‌شود. ظلم و قتل و غارت در بین قبایل شایع شده بود. قوی، ضعیف را چپاول می‌کرد. و بزرگان بر ناتوانان چیره بودند. و ثروتمند به فقیر ظلم می‌کرد. آری به راستی که دین با غربت روبرو شده بود.

با این وضع جاری در شبه جزیره و اطراف آن در سال (۱۱۱۵هـ.ق) به دنیا آمد و به این ترتیب در خانه‌ی علم و دین نشأت گرفت. او به دنبال علم رفت و از نجد به مکه سپس، مدینه نبوی آنگاه به بصره سفر کرد، و مدتی را در آنجا اقامت گزید تا در خدمت علمای آنجا بر علمش بیفزاید به گونه‌ای که شخصیت علمیش تکوین پیدا کرد، و تجربه‌هایی را کسب نمود، و ملاقات مردم سرزمینهای مختلف در برداشتن حق و دفاع از آن به او قوت بخشید.

در بصره ابتدا از افعال شرک‌آمیز توده‌ی مردم و سکوت علما انتقاد کرد، یکی از استادانش به نام شیخ مجموعی او را به خاطر این کار تحسین نمود. گفته شده که شیخ کتاب «توحید» را برای مردم عامی و بی‌سواد بصره نوشت. و بنا به قولی آن را در شهر حریملاء بعد از آمدنش از بصره تألیف کرده است.

اما به دلیل شدت غربت دین در آنجا و شدت دوری مردم از منابع اصلی دین بسیاری از مردم عام و خاص در برابر او جبهه‌گیری کردند، و به شدت او را مورد اذیت و آزار قرار دادند و در گرمای نیمروز تابستان، تنها و پیاده او را از بصره بیرون کردند، پس به طرف «زبیر» حرکت نمود، و برای تمام کردن علمش راهی شام شد، اما بضاعت مالی او را از رفتن به آنجا منصرف کرد. به همین خاطر آهنگ رفتن به احساء را کرد و پیش علمای آنجا سکنی گزید و در ضیافت شیخ عبدالله بن محمد بن عبداللطیف احسائی شافعی با بزرگمردان فرهیخته آنجا آشنا شد.

بعد از این سفر سخت و دوری از وطن و پدرش به نجد بازگشت و از نو به خواندن کتابهای تفسیر، عقیده و حدیث شروع کرد، جمع‌آوری این اطلاعات ذهنی باز، فکری روشن و فهمی صحیح را به شیخ بخشید، و او را به عنوان حق‌گرا و دور از تقلید و جمود فکری درآورد، طوری که تنها مراجع صحیح و منابع اولی

دین را دنبال می‌کرد.

سپس به امر دعوت به سوی خدا و تصحیح نشانه‌های دین خالص و توحید پاک قدم برداشت؛ هدف وی از این کار برگرداندن مردم به عقیده خالی از شرک و توحید خداوند آسمانها و زمین بود.

او با مخالفت شدید و آزار و اذیت زیاد دشمنانش مواجه شد، اما تمام اینها او را از عزم راسخ و تصمیمات قاطعش منصرف نکرد و او را از هدفش باز نداشت، او نیز همانند سایر دعوتگران اصلاحگری که بر خط مشی سیدالأنبياء و المرسلین محمد بن عبدالله ﷺ گام نهاده‌اند پابرجایی و پایداری را پیشه نمود. و بعد از یک زندگی پر از علم و دعوت در سال (۱۲۰۶هـ) به رحمت ایزدی پیوست. خداوند رحمت واسع خود را شامل حالش گرداند و او و تمام مؤمنان را ببخشد.

اندکی تأمل و تحقیق

این بود زندگی نامه‌ی این شیخ بزرگوار از زبان همنشینان و کسانی که آگاه‌ترین مردم به حال ایشان بودند؛ اما همچنانکه بیان کردیم هر مصلح و اصلاحگری، دشمنان و بدخواهانی دارد، از پیامبران گرفته تا سایر دعوتگران که چون چیزی بر خلاف واقعیت قوم و هم عصرانش آورده‌اند با انواع اذیت و آزار روبرو شده‌اند، و دشمنان و بدخواهانش او را از یک کمان نشانه کردند و آماج تیرهای خود قرار دادند، اما در برابر وی نیزه و تیر شکست خوردند و او پایدار ماند؛ شاعر چه نیکو سروده است:

کناطح صخرة یومالیوهنها فلم یضرها وأوهی قرنه الوعل
(همچو شاخ‌زن به صخره که روزی می‌خواست آن را ضعیف کند، اما بی‌فایده بود و شاخ خودش ضعیف و نابود می‌شد).
خداوند، بر مقامش افزود و دشمنان و کینه‌توزانش را رسوا و نابود گرداند، تمام جهان «محمد بن عبدالوهاب» را می‌شناسد، ولی چه کسی ابن جرجیس یا ابن داود زبیری یا قبانی یا لکنه‌وری یا نبهانی و ... را می‌شناسد.

علی‌رغم تمامی این افتراءات و کینه‌توزیها، شیخ همانند نشانه‌ی هدایت و مجدد قضایای دینی در این عصر باقی ماند، چه

راست گفت خداوند والا مرتبه: ﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ (الرعد: ۱۷). «خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند!- اما کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می ماند؛ خداوند اینچنین مثال می زند».

بنابر این خواننده گرامی باید بداند که هر یک از دشمنان گمراه که در مورد این شیخ مطلبی نوشته اند، صاحبان منافع شخصی و مناصب دنیوی بوده اند و در دروغ و بهتان به او و اشاعه تبلیغات منفی و منزجرکننده بر علیه او هم آهنگ بوده اند، و کسانی نیز که بعد از آنان آمده اند به تقلید از اجدادشان امام را نکوهیده اند، بدون اینکه به نوشته ها، کتابها، اقوال و مقاله هایش مراجعه کنند و از هرگونه دروغ و افترائی نسبت به این مصلح و اصلاحگر واقف شوند، چون این همان منهج علمی حقیقی است برای کسی که بخواهد اعتقاد و اقوال دیگران را بشناسد.

قبل از شروع به نقل اقوال ایشان در رابطه با اهل بیت علیهم السلام امری را که چه بسا برخی آن را دو پهلوی و مشکوک پنداشته اند، یادآور می شویم و آن این است که چرا شیخ در رابطه با اهل بیت و جایگاه و منزلتشان نوشته ای جداگانه نداشته اند؟ به امید توفیق اینگونه پاسخ می دهیم که:

اولاً: در عصر شیخ - به دلیل عدم آگاهی از کتاب خدا و سنت رسولش و عدم فهم صحیح مردم - قضایایی از قبیل خواندن غیر خدا، پناه بردن به اولیا و صالحین و عبادت قبرها رایج بود، و دشمنی و معاندت با اهل بیت در روزگار او چنان شایع نبوده است، بنابر این در مورد چیزهایی که او را آزار می‌داد از قبیل دوری از حقیقت توحید و عدم شناخت شرک به نوشتن و کتابت پرداخت.

ثانیاً: شیخ رحمته الله از اهل سنت و همکار جماعتی بود که از حقوق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع کافی داشتند و از اقوال امامانشان فضایل آنها را در کتابهایش نقل می‌کردند.

در صحیحین و در سنن و مسانید و همچنین در کتابهای فضایل اصحاب، فضایل اهل بیت وجود دارد، و این کتابها در بیان اعتقاد شیخ در رابطه با آنچه که از رسول الله صلی الله علیه و آله صحیح باشد مورد اعتماد ایشان بود.

ثالثاً: لازم نیست که هر دانشمندی در رابطه با فضایل اهل بیت کتابی را تألیف کند، تا از اهل سنت و جماعت محسوب شود! زیرا اینک افرادی همچون نووی، ابن حجر و بسیاری دیگر هستند که هیچ یک از آنها در مورد اهل بیت تألیف مستقلی را ندارند؛ و هیچ یک از ائمه‌ی چهارگانه (ابوحنیفه، مالک، شافعی و امام احمد

-رحمهم الله-) در خصوص اهل بیت چیزی را به نگارش در
نیاورده‌اند.

اکنون به نقل متونی از اقوال شیخ راجع به بیان محبت او نسبت
به اهل بیت رسول الله ﷺ می‌پردازیم، لازم به یادآوری است که
این اقوال را در عناوین قرار داده‌ام تا فهم متون و ترتیب افکار
برای خواننده آسان گردد و با استعانت از خداوند سخن را آغاز
می‌کنم.

فرزندانش را با نامهای اهل بیت علیهم السلام نامگذاری می‌کند

شکی نیست که هر عاقلی فرزندانش را جز به نام کسانی که آنها را دوست دارد نامگذاری نمی‌کند، به عبارتی واضح‌تر شخص عاقل فرزندانش را با نام کسانی که از آنها متنفر است نامگذاری نمی‌کند!^(۱)

اینجاست که شیخ محمد بن عبدالوهاب پسر بزرگش را علی و دخترش را فاطمه و دو تن از پسرانش را حسن و حسین نامیده است.^(۲) چه اسم و مسمای زیبا و نیکویی!! چرا که آنها خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

همچنانکه هر عاقلی تنها کنیه‌ای را برای خود انتخاب می‌کند

(۱) - در اینجا اشکالی ندارد که اشاره‌ای مختصر به نامهای فرزندان اهل بیت بیندازیم، علی علیه السلام سه تن از پسرانش را با نام خلفای قبل از خود (ابوبکر، عمر و عثمان) نامگذاری کرد و جای تعجب هم نیست چرا که آنان برادر و داماد یکدیگر و در میان یکدیگر مهربان بودند، همانطور که خدا آنها را توصیف کرده است. ابوبکر و عمر داماد رسول الله صلی الله علیه و آله بودند، و بعد از وفات ابوبکر علیه السلام علی علیه السلام با زن بیوه‌اش (آسماء بنت عمیس) ازدواج کرد و علی دخترش (ام کلثوم) را به ازدواج عمر در آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله دو دخترش را که خواهران فاطمه زهرا بودند به ازدواج عثمان در آورد. آنگاه حسین علیه السلام سید جوانان بهشت پسرش را (عمر) نامید و این هیچ عجیب نیست! مگر او (عمر) شوهر خواهرش نیست!؟

(۲) - الدرر السنیه، چاپ اول دارالافتاء (۱۹/۱۲) و نیز کتاب: (علماء نجد، البسام) (۱/۱۵۵).

که دوست داشتنی و محبوب وی واقع شده باشند؛ امام محمد بن عبدالوهاب کنیه‌ی ابوحسین را برای خود انتخاب کرده بود. این به چه معنی است؟ و بر چه چیزی دلالت دارد؟ این بیانگر نهایت محبت شیخ نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. پس آیا کسی می‌تواند گستاخی کند و بگوید که محمد بن عبدالوهاب، با اهل بیت علیهم‌السلام سر دشمنی و عداوت را دارد؟

وصایای مربوط به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

ایشان در کتاب «فضل الإسلام»^(۱) می‌گوید: خداوند فرموده:

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مِمَّا تَدَّكُرُونَ﴾

(الأعراف: ۳). «از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می‌شوید».

از زید بن ارقم روایت شده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطبه‌ای خواند و بعد از حمد و ستایش خداوند فرمود: «أما بعد ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتيني رسول ربي فأجيب، وأنا تارك فيكم ثقلين: أولهما: كتاب الله فيه الهدى والنور؛ فخذوا بكتاب الله

(۱) - ۲۵۶/۱ باب: وصیت به کتاب خداوند.

و تمسکوا به. فحث علی کتاب الله و رغب فيه، ثم قال: وأهل بیتی». و در روایتی دیگر: «کتاب الله هو جبل الله المتین، من اتبعه کان علی الهدی، و من ترکه کان علی الضلالة»^(۱).

(اما بعد ای مردم! لازم است بدانید که من بشر هستم و نزدیک است که فرستاده خدایم پیشم بیاید و او را اجابت کنم و من در میان شما دو چیز گرانقدر را به جا می گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیرید و به آن تمسک جوئید (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن رغبت نشان داد) آنگاه گفت: و اهل بیتم، و در روایتی دیگر (کتاب خداوند که ریسمان محکم خداوند است، هر کس از آن تبعیت کند بر هدایت است و هر کس آن را ترک کند بر گمراهی است).

و نیز در کتاب «فضائل القرآن: ۱، ۲۲» باب (کسی که هدایت را از غیر قرآن طلب کند) می گوید:

خداوند عزوجل می فرماید: ﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾ (الزخرف: ۳۶).

«و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همواره قرین اوست».

(۱) - رواه مسلم.

و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (النحل: ۸۹).

«و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

و از زید بن ارقم روایت شده که گفت: «قام فینا رسول الله ﷺ خطیباً بهاء یدعی: حمّاً فحمد الله وأثنى علیه وواعظ و ذکر ثم قال: أما بعد: أيها الناس إنما أنا بشر- مثلکم یوشک أن یأتی رسول من ربی فأجیب وأنا تارک فیکم الثقلین أولهما: کتاب الله فیہ الهدی والنور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به. فحث علی کتاب الله ورغب فیہ ثم قال: وأهل بیتی أذکر کم الله فی أهل بیتی».

(رسول خدا ﷺ در مکانی به اسم «خم» به عنوان خطیب بلند شدند و خدا را حمد و ثنا گفتند و پند و اندرز دادند سپس فرمودند: ای مردم! من بشری همچون شما هستم و نزدیک است که رسولی از جانب پروردگارم پیش من بیاید و من او را اجابت کنم (بمیرم) و من در میان شما دو چیز گرانبه به جای می گذارم: یکی قرآن که در آن هدایت و نور است، قرآن را بگیری و به آن تمسک جوینی (و بر قرآن پافشاری کرد و به آن تشویق نمود) آنگاه گفت: و اهل بیتم، خدا را یادآور می شوم که مراقب اهل بیتم باشید).

اینچنین است که شیخ رحمته الله بنا به وصیت رسول خدا به قرآن کریم تمسک می جوید و آن را در کنار وصیتش به اهل بیت ذکر می نماید: و این بیانگر آن است که شیخ رحمته الله تمسک به هدایت و روایات صحیح از اهل بیت هیچ گونه مخالفت و تضادی با قرآن کریم ندارد، بلکه آنها تنها کسانی هستند که بطور کامل قرآن کریم را در زندگانی خود به نمایش در آورده اند.

پایمال کردن حقوق اهل بیت افراط است

شیخ رحمته الله بعضی از پیروانش را سرزنش کرد، آنگاه که اطلاع یافت آنها بوسیدن دست یکی از بزرگان منسوب به اهل بیت و پوشیدن لباس سبز رنگ وی را نکوهیده بودند، همچنانکه در «الرسائل الشخصیه: ۲۸۴/۱» آمده ایشان می فرمایند:

از شما برایم نقل شده که بعضی از برادران در مورد عبدالمحسن شریف صحبت رانده و بدو گفته: مردم احساء دوست دارند دستت را بیوسند در حالی که تو عمامه سبزی پوشیده ای. لازم است بدانید که انکار هر چیزی تنها بعد از آگاهی جایز است. و نخستین مرحله ی انکار این است که تو از مخالفت آن قضیه با امر خداوند آگاهی داشته باشی، اما انکار چیزی مثل بوسیدن دست، جایز نیست، زیرا این مسأله ای است که علما در

مورد آن اختلاف نظر دارند، زید بن ثابت دست ابن عباس را می‌بوسید و می‌گفت: به ما امر شده که اینچنین با اهل بیت پیامبرمان رفتار کنیم، به هر حال برای آنها جایز نیست که قضایایی را انکار نمایند که حکم خداوند در مورد آن را نمی‌دانند؛ و اما پوشیدن لباس سبز برای جدا کردن اهل بیت چیزی است که از قدیم وجود داشته تا کسی به آنها ظلم نکند، یا کسانی که آنها را نمی‌شناسند در حقشان کوتاهی نکنند، و خداوند به نفع اهل بیت رسول خدا ﷺ حقوقی را بر مردم واجب کرده است، و برای شخص مسلمان جایز نیست که حق آنان را پایمال نماید، و گمان کند که این توحید است! خیر بلکه این افراط است...).

اهل بیت شایسته‌ی هر فضیلتی هستند و این بر خوبی اصل آنهاست و اینکه پیامبر ﷺ از آنان است

ایشان می‌گویند^(۱): بر هر یک از ما و شما واجب است که علم و دانشش را در راه رضایت خدا و یاری رسولش صرف نماید، چون که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَتَنْصُرُنَّهُ﴾ (آل عمران: ۸۱).

(۱) «الرسائل الشخصية: ۱/۳۱۲» و «الرسالة: ۴۸».

«و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید».

وقتی که خدای سبحان از انبیاء پیمان گرفته است که اگر به محمد ﷺ رسیدند به او ایمان بیاورند و یاریش کنند، پس ای امت پیامبر! ما باید چگونه باشیم؟ بنابر این لازم است هم به او ایمان بیاوریم و هم او را یاری نماییم، و انجام یکی بدون دیگری کافی نیست، و لازم است بدانیم که شایسته‌ترین و برترین مردم اهل بیتی است که خداوند، پیامبر ما را از میان آنان مبعوث کرده و آنها را بر مردم دنیا برتری داده است، شایسته‌ترین اهل بیت به این امر نسل رسول اکرم ﷺ هستند.

ایشان در اینجا بیان می‌کند که خداوند رسولش را که اساس اهل بیت است مبعوث کرده و اهل بیتش را بر تمام مردم دنیا برتری داده است و در این رساله وقتی آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد، وجود گروهی از اهل بیت نبوت را در عصر خود اثبات می‌کند، نه آنگونه که دشمنانش گمان می‌کنند که او وجود آنها را انکار می‌کند و معتقد است نسب پیامبر ﷺ قطع شده است.

وجوب صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت در هر نمازی

در رساله‌ی موسوم به «شرایط و ارکان و واجبات نماز: ۱/۱» و در عموم رساله‌هایش در حین ذکر صفت صلوات ابراهیمی چنین آمده است: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مُّجِيْدٌ».

«پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر ابراهیم درود فرستادی به راستی تو قابل ستایش و بزرگواری هستی».

درود از جانب خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است، همانگونه که بخاری در صحیحش از ابو العالیه حکایت می‌کند که گفت: درود خداوند ثنای او بر بنده‌اش در ملکوت اعلی است.

و در رساله‌ی موسوم به «آداب رفتن به نماز» و «صفة الصلاة: ۱۰/۱» چنین بیان می‌دارد: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مُّجِيْدٌ، وَبَارِكْ عَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مُّجِيْدٌ».

«پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست همانگونه که بر آل ابراهیم درود فرستادی به راستی تو ستوده و بزرگواری، و بر

محمد و بر آل محمد برکت نازل کن همچنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی به راستی تو ستوده و بزرگواری». و همچنانکه هر مسلمانی می‌داند این دعا یکی از ارکان نماز است؛ و نماز مسلمان جز با آن صحیح نیست و این دیدگاه شیخ محمد بن عبدالوهاب است. که بر آن دلیل آورده شد.

برای خاندان پیامبر ﷺ بر امت حقوقی است که هیچ کس با آنان شریک نخواهد شد و آنان این شایستگی و نهایت محبت و دلسوزی را دارند که برای دیگران چنین نیست

شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمته الله جملات و عباراتی را از کتابهای شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله جمع آوری نموده و تحت عنوان «مسائل لخصها الامام محمد بن عبدالوهاب من كلام شيخ الاسلام ابن تیمیه» آن را به چاپ رسانده است، ایشان ضمن آن رساله (۵۱/۱) می گوید: خانواده پیامبر ﷺ بر امت حقی دارند که سایر مردم شریک آن حق نیستند و استحقاق محبت و دلسوزی بیش از حدی هستند که سایر قریش چنین استحقاقی را ندارند و قریش استحقاق چیزی را دارند که قبایل دیگر چنین استحقاقی را ندارند، همچنانکه جنس عرب استحقاق آن چیزی هستند که سایر بنی آدم چنین استحقاقی را ندارند - تا آنجا که می گوید- به همین خاطر در میان بنی هاشم پیامبری وجود دارد که هیچ احدی از قریش به پای وی نمی رسد، و در میان قریش خلفاء و ... وجود دارد که در میان عرب بی نظیر هستند و در میان عرب از سابقین اولین کسانی هستند که در سایر ملتها شبیه و نظیری را ندارند.

این عقیده شیخ موافق عقیده این تیمیه است در رابطه با خاندان نبی و خانواده و نزدیکان اوست که مدعی حقوق و واجباتی مخصوص برای آنها است و سایر مردم را در آن حق بی بهره می داند و محبت و لطفی را برایشان واجب دانسته که سایر مردم استحقاق آن را ندارند. و این فضل خداست و به هر کس که بخواهد می دهد.

دادن لقب مرتضی به علی رضی الله عنه و اعتقاد به اینکه ایشان بافضیلت ترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند

شیخ رحمته الله در ضمن رساله نخست از «الرسائل الشخصية: 10 / 1» می گوید: ایمان دارم به این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران و انبیاست، و ایمان هیچ بنده ای صحیح نیست تا زمانی که به رسالتش ایمان نیاورد، و به نبوتش شهادت ندهد؛ و اینکه برترین امتش ابوبکر صدیق، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذو النورین، سپس علی مرتضی و سپس بقیه عشره مبشره... است.

شیخ محمد بن عبدالوهاب امام علی را چهارمین خلیفه از خلفای راشدین هدایت گر به حساب می آورد و لقب مرتضی را به او می دهد و اعلام می دارد که ایشان از برترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

شهادت حسین رضی الله عنه در روز عاشوراء کرامتی از جانب خدا بود

شیخ رحمته الله در رساله «الرد علی الرافضة: 1/ 48» کلام زیبایی را از شیخ الإسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم در رابطه با مصیبت امت راجع به حسین و کشته شدن فجیعش نقل می‌کند و با پافشاری بر صبر و دوری از جزع و فزع می‌گوید: شیخ الاسلام ابن تیمیه حنبلی حرانی رحمته الله می‌گوید: خداوند من و شما را توفیق دهد، بدان که شهادت حسین در روز عاشوراء کرامتی بود از جانب خداوند که با آن او را گرمی داشت، و ارتقای درجه و مرتبه‌ای بود که خداوند بر وی ارزانی بخشید و خواری و ذلتی بود برای کسی که به او ظلم کرد و به او دست درازی کرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از او سوال شد که چه کسی از همه سخت‌تر بلا و آزمایش را می‌بیند؟ فرمود: انبیاء. سپس صالحان و سپس کسانی که از همه بیشتر به آنها شباهت دارند، و هر کس بر حسب دینش آزمایش می‌شود؛ اگر در دینش صلابت داشته باشد آزمایشش بیشتر می‌شود، و اگر در دینش سست و ضعیف باشد در مورد او تخفیف داده می‌شود، بلا و آزمایش همچنان با مومن همراهی می‌کند تا طوری بر زمین گام بردارد که لغزشی بر او نباشد. بنابر این مؤمن، وقتی که روز عاشوراء می‌رسد و مصیبت حسین را

یادآور می‌شود مشغول استرجاع: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ گفتن می‌شود، همانگونه که خدای عَزَّ وَجَلَّ به او امر کرده است، تا به پاداشی نایل گردد که در ضمن این آیه وعده داده شده: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (البقره: ۱۵۷).

«اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت‌یافتگان».

ثمره آزمایش و مصیبت و آنچه که خدا به صابرين وعده داده است وقتی ملاحظه می‌شود که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر: ۱۰).

«که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند». و شهادت می‌دهد که آن بلا از جانب بلا دهنده بزرگ است، بنابراین این احساس تلخی و سختی بلا از پیش دیدگانش زدوده می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (الطور: ۴۸). «در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو زیر نظر ما و در حفاظت و رعایت کامل ما قرار داری».

به بعضی گفته شد: چه وقت زدن و آزار و قطع بر شما هموار می‌گردد؟ گفت: اگر ما بتوانیم کسی را راضی کنیم که او را دوست داریم بلا را راحتی، جفا را وفا، و محنت را نعمت

محسوب می‌کنیم.

بنابر این شخص عاقل در آن هنگام چنین چیزی را فرا می‌خواند؛ مصایب و سختیها و بلاهای دنیوی را کوچک می‌شمارد و خود را به خاطر مصیبتی که به او رسیده دلداری می‌دهد و صبر اختیار می‌کند و تا آنجا که می‌تواند خود را به طاعات و اعمال صالح مشغول می‌کند، چون پیامبر صلی الله علیه و آله بر روزه روز عاشورا اصرار داشته است. پس فرد عاقل با لحاظ تمام اینها، اوقاتش را در انواع عبادات خاص می‌کند، شاید که از جمله دوستداران اهل بیت نوشته شود. و همچون جاهلان آن روز را به گریه و نوحه سرایی تبدیل نمی‌کند چون این کار نه از اخلاق اهل بیت نبوی است و نه از روش و سیره آنها و اگر از سیره آنها می‌بود امت اسلامی هر سال روز وفات پیامبرشان را در ماتم و عزا می‌گذراندند، این چیزی جز تزئین و اغوای شیطان نیست؛ شیخ چنین می‌افزاید^(۱): همانطور که برای دسته‌ای دیگر معارضه و دشمنی با کار آنها را زینت داده است؛ این روز را عید می‌گیرند و شروع به اظهار شادی و خوشحالی می‌کنند، به خاطر اینکه از نواصب متعصب بر علیه حسین و خانواده‌اش هستند، یا از جاهلانی هستند که فساد را با فساد و شر را با شر و بدعت را با

(۱) کلام همچنان سخن ابن تیمیه است.

بدعت مقابله می‌کنند، به همین خاطر شادی را اظهار می‌نمایند، و کارهایی از قبیل: حنا زدن، پوشیدن لباس نو، سرمه زدن، عیدی دادن، پختن غذاها و حبوبات خارج از عادات را به راه انداختند. و در آن روز کارهایی را می‌دهند که در جشن‌ها و اعیاد انجام می‌دهند و گمان می‌کنند که این کار سنت و عرف می‌باشد، در حالی که در سنت پیامبر ﷺ هیچ یک از این کارها پیشنهاد نشده است، و در رابطه با این کارها چیزی که به آن اعتماد شود و اثر صحیحی که قابل مراجعه باشد وجود ندارد؛ تا آنجا که می‌گوید: به همین خاطر آنها (نواصب) به خاطر جهلشان روز عاشورا را همچون مراسم اعیاد و جشن‌ها، جشن می‌گیرند و دسته دیگر (روافض) آن را عزا و ماتم می‌گیرند و در آن روز آهنگ ناراحتی و غم و اندوه سر می‌دهند، و هر دو دسته خطا کار و از سنت کنار رفته‌اند و دچار جرم و گناه شده‌اند. والسلام).

ابن قیم می‌گوید: و اما نسبت به احادیث مربوط به سرمه زدن، روغن زدن و عطر زدن در روز عاشورا باید گفت که این احادیث موضوع و جعلی هستند، دسته‌ای دیگر در مقابله با آنان آن را روز غم و اندوه و ماتم گرفتند و هر دو دسته بدعتگر هستند و از سنت کنار گرفته‌اند.

در اینجا شیخ سخنان دانشمندان قبل از خود را در بیان دیدگاه

صحیح راجع به مصیبت اهل بیت نقل می‌کند و با اعتماد به قرآن و سنت صحیح رسول اکرم ﷺ آن را تأیید می‌نماید. تعلیق را برای کسانی جا می‌گذارم که در خصوص موقف ائمه‌ی هدی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام خواهان حق هستند، لازم به یادآوری است که بعضی از گروهها به آنها افترا و دروغ بستند و دشمنی و عداوت با اهل بیت را به آنها نسبت داده و آنها را نواصب نامیده‌اند!!

این روایت حاوی فضیلت بزرگی برای علی رضی‌الله‌عنه می‌باشد

شیخ در کتابش تحت عنوان «التوحید: ۲۱/۱» داستان فتح خیبر در سال هفتم هجری را می‌آورد. ایشان می‌گویند: بخاری و مسلم هر دو از سهل بن سعد رضی‌الله‌عنه روایت کرده‌اند که: رسول خدا ﷺ در روز خیبر می‌گفت: «پرچم اسلام را به کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیبر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و گفتگو که پرچم به کدام یک از آنها داده می‌شود به سر بردند. وقتی که صبح شد پیش پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب کجاست؟ گفتند: چشمش درد می‌کند، دستور داد علی را

برایش احضار نمودند، در چشمانش، آب دهان ریخت، بلافاصله بهبود یافت طوریکه گویا هرگز بیمار نبوده است، آنگاه پیامبر ﷺ پرچم را به او داد و فرمود: با تانی، نزد آنان برو تا بدانجا برسی. سپس، آنها را به اسلام دعوت کن و از دستورات خدا با خبر ساز. سوگند به خدا، اگر یکی از آنان بوسیله تو هدایت شود، برایت از شتران سرخ رنگ، بهتر است». (یادآوری می‌شود که شتران سرخ رنگ، در آن زمان، نزد اعراب، از ارزش بسیار بالایی برخوردار بودند)».

آنگاه در فواید این حدیث گفته: مسئله بیست و یکم: فضیلت علی رضی الله عنه.

و در مسایلی که آنها را خلاصه کرده: ۱/ ۱۵۳ می‌گوید: قول پیامبر ﷺ: لأعطين الراية ... صحیح‌ترین حدیثی است که در فضیلت او (علی بن ابی طالب رضی الله عنه) روایت شده است.

حدیث دیگری راجع به فضیلت علی رضی الله عنه

شیخ رحمته الله در کتابش تحت عنوان «مختصر زادالمعاد: ۱/ ۲۷۶» آن جا که سخن از حوادث غزوه تبوک است می‌گوید:

پیامبر ﷺ به جنگ تبوک رفت و علی را به جای خود تعیین کرد، علی گفت: برای چه مرا در میان زن و بچه‌ها جا می‌گذارید؟ گفت: مگر راضی نیستی که شما برای من به منزله هارون برای

موسی باشی؟ و تنها فرقتش این است که بعد از من پیغمبر دیگری نمی‌آید.

در اینجا قابل تصور نیست که در مورد محمد بن عبدالوهاب گفته شود که او دشمن علی و خاندانش است حال آنکه در اکثر کتابها و نوشته‌هایش فضایل او را بیان می‌کند.

فضیلتی بزرگ برای فاطمه زهرا (علیها السلام) پاره تن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

شیخ رحمانه در کتاب خود «مختصر زادالمعاد: ۱ / ۲۹۶» می‌گوید: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با آمدن فاطمه (علیها السلام) شادی می‌شد و برای او بلند می‌شد، و فاطمه نیز برای احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بلند می‌شد.

فاطمه زهرا (علیها السلام) سرور زنان جهان

شیخ رحمانه در کتاب «التوحید: ۱ / ۴۷» می‌گوید: سیزدهم: سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به بستگان و سایر امت: «لا أعني عنك من الله شيئاً». (در حضور خداوند هیچ یک از نیازهای شما را دفع نخواهم کرد). تا آن جا که گفت: (ای فاطمه دختر محمد! من در حضور خداوند هیچ یک از نیازهایت را دفع نخواهم کرد). وقتی که سید المرسلین تصریح می‌کند به اینکه او چیزی را از سرور زنان عالم دفع نمی‌کند، و انسان ایمان دارد به اینکه پیامبر

جز حق نمی گوید. آنگاه به آنچه در دلهای مردم معاصر واقع می شود نظر بیفکند، توحید و غربت دین برایش آشکار می شود. این عقیده شیخ در مورد پاره تن پیامبر ﷺ فاطمه رضی الله عنها است: اینکه او در نزد پدرش برترین انسان است و سرور زنان جهان می باشد.

نکوهش کسانی که نسب اهل بیت را از جهت حسن انکار می کنند و آنها را دشمنان اهل بیت توصیف می نماید

ایشان در رساله «الرد علی الرافضة: 1/ 29» می گوید: و از سخنانشان این است که حسن بن علی دنباله نداشته و نسلش منقرض گشته و از نسل ذکور او هیچ کس باقی نمانده است، این سخن در میان آنان رواج پیدا کرده و بر آن اجماع کرده اند، آنها گفته اند این سخن نیازی به اثبات ندارد. و دسته ای از آنان ادعا می کنند که «الجاج» نیز به همین ترتیب نسلش منقرض شده و به این نتیجه رسیدند که امامت را به اولاد حسین منحصر کنند و از میان آنان نیز به دوازده نفر اکتفا نموده اند؛ و امامت افرادی دعوتگر از آل حسن را باطل می شمارند با وجود اینکه دارای فضل و جلال بوده و شرایط امامت را دارا بوده اند و مردم به آنها بیعت داده اند و از تبار پیامبر ﷺ هستند و از نظر علمی به درجه اجتهاد مطلق رسیده اند. خدا مرگشان بدهد چگونه افترا می زنند، این

دشمنان آل بیت را ببین چگونه رسول خدا ﷺ و فاطمه را می‌آزارند با انکار نسب کسی که به طور قطع ثابت شده که از ذریه حسن رضی الله عنه است و ثبوت نسب ذریه او متواتر است و بر هیچ خردمندی پوشیده نیست؛ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله انکار انساب را از اعمال جاهلیت خوانده است و روایاتی وجود دارد که دال بر این است که مهدی از نسل حسن رضی الله عنه است همچنانکه ابوداود و ... آن را روایت کرده‌اند).

این است عقیده و باور شیخ که هر کس ذریه حسن رضی الله عنه را انکار کند و امامت را در میان فرزندان او نفی نماید، در واقع امامت داعیان خاندان حسن را باطل دانسته، با وجود فضل و جلال و آراستگی‌شان به شرایط امامت و بیعت مردم با آنان و صحت نسبشان و نایل شدنشان به درجه اجتهاد... با ذکر این سخن (انکار نسب فرزندان حسن رضی الله عنه) رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه را آزار می‌دهند.

توصیف حسن بن علی رضی الله عنه به اینکه او سید است و خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار می‌کند

شیخ در کتاب «مختصر السیره: ۳۲۱/۱» راجع به حوادث سال ۳۸ می‌گوید: مردم با حسن بیعت کردند و تا هفت ماه به عنوان

خلیفه باقی ماند، آنگاه به طرف معاویه حرکت کرد. وقتی که دو گروه با هم برخورد کردند، حسن دانست که جز با کشتن بسیاری از افراد یکی از دو گروه دیگری غالب نخواهد شد. به همین خاطر او با معاویه صلح کرد، و بنا به شرایطی با او بیعت نمود و خلافت را به او واگذار کرد. معاویه آن شرایط و بیشتر از آن را نیز عهده‌دار شد. و مصداق آنچه که از پیامبر ﷺ ثابت شده است تحقق یافت که ایشان درباره حسن فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَصْلِحَ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

«این پسر من سید است و امید است که خداوند به وسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار کند».

به این ترتیب ایشان معتقد است که بشارت پیامبر ﷺ به صلح بین مسلمانان بر دستان یکی از سادات آل بیت که حسن است تحقق پیدا کرد، و با معاویه در این سال صلح کرد و خلافت را به او واگذار نمود و با این کار از ریخته شدن خون مسلمانان جلوگیری کرد.

تنزیه اهل بیت ﷺ از قبایح و زشتیها

شیخ رحمته الله در رساله «الرد علی الرافضة: 1/ 51» می گوید: و از جمله اعتقاداتشان - نعوذ بالله - دشنام به صحابه بخصوص خلفای

سه گانه است، آنها در کتابهای معتبرشان از مردی از اتباع هشام احوال روایت می کنند که گفت: روزی نزد ابو عبدالله جعفر بن محمد بودم، مرد خیاطی از شیعیانش پیش او آمد و دو پارچه در دست داشت و گفت: ای پسر رسول خدا ﷺ! یکی از دو جامه را دوختم و با هر بخیه سوزنی، خدای یگانه را به وحدانیت خواندم و دیگری را دوختم و با هر بخیه سوزنی، ابوبکر و عمر را لعنت کردم....

آنگاه آنچه را که شما دوست داشته باشی به تو نذر نمودم؛ از این دو هر کدام را دوست داری بردار و آن یکی را که دوست نداری رد کن.

صادق گفت: آن یکی را که با لعن ابوبکر و عمر تمام شده دوست دارم و دیگری را که با ذکر «الله اکبر» دوخته شده به خودت برمی گردانم.

بین آن دروغگویان فاسق چه چیز زشتی را در حق اهل بیت بیان می دارند.

به این ترتیب ایشان اهل بیت پیامبر ﷺ را از دروغ دروغگویان و نسبت سخنان زشت به آنان منزّه می کند. چگونه چنین چیزی ممکن است حال آنکه امام جعفر صادق در مورد جدش ابوبکر صدیق رضی الله عنه می گفت: «ولدنی ابوبکر مرتین».

(ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد). می دانی برای چه؟
چون مادرش ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر بود، و
زن قاسم دختر عبدالرحمن بن ابوبکر بود، به همین خاطر
می گفت: ابوبکر دوبار مرا به دنیا آورد!

حق از علی بن ابی طالب علیه السلام و یارانش نزدیکتر بود تا به معاویه و یارانش علیهم السلام

در کتاب «مختصر السیره: ۳۲۱/۱» درباره حوادث سال سی و
هشت می گوید: علی بن ابی طالب و یارانش از معاویه و یارانش
به حق نزدیکتر بودند، با این حال هیچ یک از آنان از دایره ایمان
خارج نشدند.

این عقیده شیخ در رابطه با حادثه جنگی است که بین صحابه
درگرفت، اینکه امام علی علیه السلام و یارانش در آن جنگ نزدیکتر به
حق و صواب بودند، و هر دو دسته از ایمان خارج نشدند... این
به خاطر درک عاقلانه ایشان نسبت به آیات قرآن است، چون
خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَلِإِن طَافْنَا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَفْتَلَوْا
فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ (الحجرات: ۹).

«و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها
را آشتی دهید».

خداوند آنها را مؤمن نامیده است علیرغم اثبات درگیریشان و نیز علی رضی الله عنه در جواب کسی که در مورد کسانی که با او جنگیدند پرسید؟ گفت: «إخواننا بغوا علينا». (برادرانمان بر ما سرکشی کردند)، علی رضی الله عنه آنها را برادر خود خواند.

علاقه شدید صحابه به دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

شیخ در کتاب «مختصر السیره: ۳۰۶/۱» درباره حوادث سال هفدهم می گوید: «در آن سال عمر رضی الله عنه با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب رضی الله عنه ازدواج کرد، تا از این طریق به عنوان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محسوب گردد.

شیخ رحمته الله این ازدواج مبارک را در کتابش ذکر می کند با بیان اینکه عمر رضی الله عنه تنها خواستار خویشاوندی با نسب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که در فرزندان علی و فاطمه باقی مانده بود، به دلیل بزرگواری و افتخار نسب نبوی کریم.

نواصب بد ذات، جاهل و ظالم هستند

شیخ رحمته الله در ضمن مسئله (۲۷) از کتاب «مسائل لخصها: ۲۵/۱» در سیاق نقل سخنان ابن تیمیه رحمته الله در مورد اینکه شیطان، گمراهی و ضلالت را برای بعضی از مردم زینت داده است، می گوید:

«همچنانکه مشرکان تُرک را یاری دادند تا آنچه که در بغداد و ... با اهل بیت از فرزندان عباس و ... انجام دادند، پس قومی با آنها دشمنی کردند که یا از نواصب متعصب و دشمن حسین بودند، یا از جاهلانی که فساد را با فساد جواب دادند و روایاتی را در باب توسیع نفقه بر خانواده جعل کردند، اگر چه ایشان بد ذات‌تر و جاهل‌تر و ظالم‌تر بودند، ولی خداوند به عدل و احسان امر می‌کند. می‌بینیم که شیخ هر کسی از نواصب نادان و ظالمی را که با اهل بیت دشمنی می‌ورزد و به آنها آزار می‌رساند، تحقیر می‌نماید. این موضع روشن و شفاف اوست در برابر کسی که دشمنی اهل بیت رسول الله ﷺ را ابراز می‌کند.

موضع دعوتگران سلفی در برابر اهل بیت علیهم‌السلام

اکنون جهت تبیین و توضیح منهج و روش این دعوت مبارک در برابر اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاره‌ای از سخنان فرزندان و پیروان شیخ را ذکر می‌نماییم.

کسی که به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روش اهل بیت دست آویزد در دنیا و آخرت گمراه و بدبخت خواهد شد

امام عبدالعزیز بن سعود بن محمد رحمته‌الله می‌گوید: از عبدالعزیز بن سعود به جناب احمد بن علی قاسمی - خداوند شما را به

آنچه که دوست دارد و بدان راضی است هدایت نماید: نامه شما به دست ما رسید و به مضمون آن اطلاع یافتیم که بیان داشته‌اید: گروهی از اصحاب و پیروان ما تمسک به قرآن و سنت پیامبر ﷺ از جانب پیروان مذهب اهل بیت شریف را نکوهیده‌اند. لازم است بدانید که تمسک و چنگ فرا زدن به کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و روش اهل بیت موجب سرافرازی در دنیا و آخرت و عدم گمراهی می‌باشد. اما لازم است ادعا را با عمل به اثبات رساند.

سپس می‌افزاید: اصل دین پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان عبارت است از اینکه: انواع عبادات تنها برای خدا به انجام رسانده شود، پس تنها او خوانده می‌شود، برای او نذر انجام می‌شود، قربانی تنها در راه او صورت می‌گیرد، باید تنها از او ترس و واهمه داشت و تنها بر او توکل شود، همچنانکه آیات قرآن نیز بیانگر همین واقعیت است: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (۱۸) (الجن: ۱۸). «مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».

خداوند می‌فرماید: ﴿لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ﴾ (الرعد: ۱۴). «دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند».

خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (النحل: ۳۶). «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!».

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (الأنبياء: ۲۵). «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: معبودی بحق جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید».

این توحید و یکتاپرستی اصل و اساس اهل بیت عليهم السلام است، هر کس مطابق آن رفتار ننماید پیامبر صلى الله عليه وآله و اهل بیت ایشان از او بریء می باشد. خداوند می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (التوبه: ۳). «و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند».

و از جمله‌ی مذهب اهل بیت: برپاداشتن فرائض (نماز، زکات، روزه و حج) است، و همچنین امر به معروف، نهی از منکر، دوری از محرّمات، محبت سابقین اولین از مهاجر و انصار و پیروان نیکوکار آنها نیز جزو مذهب اهل بیت محسوب می باشد، و از

منظر آنها خلفای راشدین فاضل‌ترین سابقین اولین می‌باشند، همچنانکه محمد بن حنیفه و برخی دیگر از اصحاب از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند که گفته: «خیر هذه الامة بعد نبیها: ابوبکر، ثم عمر». «بعد از پیامبر، ابوبکر و سپس عمر بهترین این امت اسلامی می‌باشند».

دلایلی که بیانگر فضیلت خلفای راشدین می‌باشند بیشتر از آن هستند که مورد حساب واقع شوند.

این است مذهب اهل بیت که بیان داشتیم، و شما نیز ادعا می‌کنید که به منهج اهل بیت تمسک نموده‌اید، در حالی که بر خلاف آنها رفتار نموده و مخالف آنها هستید، و اهل بیت از منهج و رفتار شما بریء است؛ زیرا کسی که مردگان را می‌خواند، برای رفع نیازهای روزانه و از بین بردن ناراحتیهایش به مردگان پناه می‌برد، شرک در مناطق آنها پدیدار گشته، بر قبر مردگان گنبد می‌سازند و همراه خدا آنها را نیز فرا می‌خوانند، شرک همانند اصلی از اصول دینشان قرار گرفته، فرائض را ترک می‌نمایند، محرمات و منهیات را دنبال می‌کنند و اصحاب بزرگواری همچون ابوبکر، عمر و ... را مورد بی‌حرمتی و دشنام قرار می‌دهند چگونه ادعای پیروی از اهل بیت را اعلام می‌دارد^(۱).

(۱) - الدرر السنیة: ۱/ ۲۶۹-۲۷۲.

امام رحمته الله در این کلمات درخشان بیان داشت که عقیده‌ی اهل سنت و جماعت همان عقیده‌ی اهل بیت است که بر کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنیان شده است، ایشان سخنان خود را با کلماتی آغاز نمودند که پر از محبت و احترام برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، نظر به اینکه فرمودند: لازم است بدانید که تمسک و چنگ فرا زدن به کتاب خدا، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش اهل بیت موجب سرافرازی در دنیا و آخرت می‌باشد.

بدون شک قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهان محبت و مودت اهل بیت هستند

شیخ عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رحمته الله می‌گوید: راجع به اهل بیت و حکم ازدواج فاطمیه با غیر فاطمیه از اهل علم سؤال شد؟ در پاسخ اعلام داشتند: بدون شک در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محبت و مودت اهل بیت همانند یک واجب دینی اعلام شده، بنابراین محبت و مودت ورزیدن نسبت به آنها واجب و ضروری است، اضافه بر آن لازم است بدانیم که اسلام با نگاهی مساوی به همه‌ی مردم می‌نگرد، پس جز به تقوی هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد، اما احترام، تقدیر و اجلال اهل بیت و سایر علما همانند یک حکم شرعی واجب است و هنگامی که با کسانی همسطح خود از نظر سن و علم گرد می‌آیند نشانده‌شان در صدر

مجلس، جلو انداختن آنها در احترام و راه رفتن و ... لازم و ضروری می‌باشد^(۱).

باز می‌گوید^(۲): ما معتقد هستیم که علی بن ابی طالب از معاویه چه رسد به بنی امیه و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند، و همچنین معتقد هستیم که حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت می‌باشند، زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة».

(حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت هستند).

و معتقدیم که آنها از یزید، بنی امیه و بنی عباس بیشتر شایستگی مقام خلافت را داشتند.

و باز در کتاب موسوم به «جواب أهل السنة النبوية في نقض كلام الشيعة والزيدية» اهل بیت را در حد گسترده‌ای تمجید و تعریف نموده و بیان داشته که مذهب اهل سنت و جماعت به طور عام و علماء نجد به طور خاص بر آن است که نسبت به اهل بیت نهایت محبت و مودت دارند و جایگاه واقعی خود را به آنها بازمی‌گردانند و تمامی افترا و تهمت‌هایی که از جانب اهل بدعت بدانها نسبت داده شده لغو و باطل می‌نمایند... و از جمله سخنان

(۱) الدرر السنیه: ۱/ ۲۳۲-۲۳۳.

(۲) الدرر السنیه: ۱/ ۲۴۶.

ایشان در این خصوص به طور مختصر و کوتاه عبارت است از: اهل سنت و جماعت که مطابق قرآن و سنت موضع گیری می نمایند از همه ی مردم بیشتر نسبت به اهل بیت محبت می ورزند و پیروی کردن از آنها را مایه ی افتخار و سرافرازی خود قلمداد می نمایند.^(۱)

و می گوید: همه ی اهل سنت ولایت علی و اهل بیت را می پذیرند و او را بر معاویه و کسانی که از معاویه نیز بزرگتر هستند تفضیل و برتری می دهند...^(۲)

و بیان داشته: سایر اهل سنت و جماعت ولایت علی و اهل بیت را پذیرفته و آنها را دوست دارند و در برابر بنی امیه - که علی را ناسزا می گویند- موقف نشان می دهند و آنها را از آن کار بازمی دارند، و کتابهایشان را با ثناگویی و اعلام محبت و مولات ایشان آراسته اند، و فضیلت علی و اهل بیت در همه ی کتابهای حدیث نیز ذکر شده است.^(۳)

و باز گفته: اما سخن ایشان (اعتراض گیرنده): و از این رو شافعی هنگامی که بدعت گذاری را در میان اهل حق مشاهده

(۱) ج ۴ ط دار العاصمة - الرياض . ص: ۵۴.

(۲) ص: ۵۹.

(۳) ص: ۶۱-۶۲.

نمود، فرمودند:

إِنْ كَانَ رَفُضًا حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ إِنِّي رَافِضِي -
(اگر دوستی خاندان محمد رافضی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم).

همه‌ی اهل سنت و بسیاری از بدعت‌گرایانی همچون معتزله، مرجئه و غیره همین سخن شافعی را بیان داشته‌اند. و همچنین همانند برخی از علما می‌گویند:

إِنْ كَانَ نَصْبًا حَبَّ صَحْبِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أَنِّي نَاصِبِي
(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه ناصبی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به اینکه من ناصبی هستم).

بیت نخست: خوارج و برخی از بنی امیه را مخاطب قرار می‌دهد که نسبت به علی و اهل بیت ایشان نفرت و کینه به دل داشتند، و برخی از آنها کفر اهل بیت را اعلام می‌داشتند.

و اما بیت دوم: رافضه و زیدیه را مخاطب قرار می‌دهد که برخی از اصحاب پیامبر ﷺ را مورد نفرت و دشمنی خویش قرار می‌دادند...^(۱)

و ایشان گفته‌اند: اما آن دسته و گروهکی از بنی امیه که علی رضی الله عنه را

مورد لعن و نفرت خویش قرار می‌دادند از نظر اهل سنت ظالم و فاسق محسوب می‌گردند، و اهل سنت از طریق تبلیغات و نقل روایتهای صحیحی راجع به فضیلت علی علیه السلام با آنها به مبارزه پرداخته‌اند.

آنها می‌خواستند با این کار زشت و شنیع خود، از مقام و منزلت علی علیه السلام بکاهند و محبت و مودت ایشان را از دل مردم بیرون آورند، اما خداوند خلاف هدف و انگیزه‌ی آنها را برای علی علیه السلام به ارمغان آورد و به مقام وی افزود. و اهل سنت و جماعت نیز فضائل ایشان را ظاهر نمودند و آن را در میان مردم منتشر کردند، پس در میان توده‌ی مردم چه رسد به افراد ویژه، مشهور گشت و در نتیجه همه‌ی اهل سنت نسبت به او محبت و مودت می‌ورزند و ولایت او را می‌پذیرند...^(۱)

و باز می‌گوید: بسیاری از اهل سنت معتقد هستند که علی علیه السلام در جنگ با معاویه رضی الله عنه و همراهانش بر حق بوده است، و همه‌ی آنها متفق هستند بر اینکه علی علیه السلام از معاویه رضی الله عنه و همراهانش به حق نزدیک‌تر بوده‌اند.^(۲)

و بیان می‌دارد: ماجرای حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان مایه رفعت درجه و امتیازات او در برابر خداوند متعال می‌باشد.^(۳)

(۱) ص: ۶۵.

(۲) ص: ۶۹.

(۳) ص: ۷۳.

و در پاسخ به اعتراضی راجع به انحراف اهل سنت و جماعت از اهل بیت چنین بیان داشته:

این یک دروغ واضح و روشنی علیه اهل سنت و جماعت می باشد، زیرا آنها از اهل بیت منحرف نگشته اند، بلکه از اصول دین آنها محبت، موالات و صلوات بر اهل بیت نبوی در نماز و ... می باشد، و تنها جهت دوری از طولانی شدن بحث، از نقل قول آنها راجع به این قضیه صرف نظر می نمایم^(۱).

و می گوید: کسانی که در حق اهل بیت ظلم و ستم روا می دارند و با آنها و یا اینکه با یکی از آنها به جنگ و ستیز می پردازد از منظر اهل سنت و جماعت همانند ستمگر و ظالم شناخته می شود و هرگز بدانها محبت و مودت نمی ورزند، بلکه نهایت عداوت و دشمنی را با آنها در میان می گذارند و آنها را لعنت و نفرت می کنند، و کتابهای اهل سنت را می بینیم که نسبت به اهل بیت نهایت ادب و ثناگویی را رعایت نموده و برایشان دعای خیر خوانده^(۲).

و بعد از نقل احادیثی راجع به فضیلت اهل بیت می گوید: این احادیث بیانگر این است که اجماع اهل بیت همانند حجتی تلقی

(۱) ص: ۷۹.

(۲) ص: ۷۷.

می‌شود و اینکه آنها بر باطل گردهم نمی‌آیند، زیرا خداوند آنها را از باطل محفوظ می‌دارد همانگونه که امت اسلامی را بر گمراهی گرد نمی‌آورد^(۱).

و گفته: اهل سنت نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ محبت و مودت می‌ورزند و به تمامی صفاتی که در قرآن برای خداوند ذکر شده ایمان دارند تا آنجا که می‌گویند: زیرا اهل بیت از کتاب خدا جدا نگشته و با آن مخالفت نمی‌نمایند، همچنانکه در حدیث آمده که پیامبر ﷺ فرمود: «ولن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض...»
«آنها هرگز از هم نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند»^(۲).

و بیان می‌دارد: و اما ادعای اینکه اهل سنت نسبت به ناسزاگویی در حق علی ﷺ اعلام رضایت نموده‌اند یک دروغ و تهمت محض است و هیچ کس در این خصوص شک و شبهه‌ای ندارد، زیرا آنها از قدیم الایام تا به امروز با هر گونه ناسزاگویی در حق علی ﷺ به جنگ و ستیز پرداخته‌اند...^(۳)
و پیرامون مسأله استسقاء گفته: فقهای اهل سنت گفته‌اند:

(۱) ص: ۹۱.

(۲) ص: ۱۰۵.

(۳) ص: ۲۰۶.

توسل به افراد صالح جهت استسقاء سنت و مستحب می باشد، و بهتر و افضل تر این است که افراد صالح و نیکوکار را از میان خویشان پیامبر انتخاب نماییم^(۱).

و باز نقل شده که راجع به آیهی: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا بُيِّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (النساء: ۱۱۵). «کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید».

از شیخ عبدالله بن محمد سؤال شد: آنهایی که خداوند دستور داده از راه و منهجشان پیروی شود چه کسانی هستند؟ اگر در پاسخ بگویید: آنها اصحاب پیامبر ﷺ و رهروان منهج و روش آنهایند. باز می پرسیم: آیا علی بن ابی طالب، حس و حسین، صادق، باقر، نفس زکیه، حسن بن حسن و امثال آنها از نسل علی و فاطمه علیهم السلام از همان مؤمنانی محسوب می باشند که خداوند مخالفت با منهجشان را نکوهیده است؟ یا اینکه آنها جزو این افراد محسوب نمی گردند؟

در پاسخ فرمودند: علی بن ابی طالب، حسن و حسین، طلحه و زبیر، اصحاب بدر، معاویه بن ابوسفیان و همراهانش از اهل شام

(۱) مجموعه الرسائل و المسائل النجدية ۱/ ۶۵.

رسول الله ﷺ اصحاب پیامبر ﷺ هستند، لذا قائل به ولایت همه‌ی آنها هستیم، از اختلافات آنها دوری می‌گزینیم و از خداوند طلب مغفرت برای اشتباهاتشان می‌نماییم، همانگونه که خداوند به ما دستور داده: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ (الحشر: ۱۰). «(همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببامرز».

و همان سخن برخی از علما را تکرار می‌کنیم که گفته‌اند:

إِنْ كَانَ نَصَبًا حَبِ صَحْبِ مُحَمَّدٍ فَلَيْشَهِدَ الثَّقَلَانِ إِنِّي نَاصِبِي

(اگر دوستی اصحاب محمد نشانه ناصبی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند به اینکه من ناصبی هستم).
و در برابر کسانی که به دشمنی و نفرت و تبری از اهل بیت دستور می‌دهند، همان سخن برخی از علما را تکرار می‌نماییم که گفته‌اند:

إِنْ كَانَ رَفْضًا حَبِ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَيْشَهِدَ الثَّقَلَانِ إِنِّي رَافِضِي—

(اگر دوستی خاندان محمد رافضی بودن است، پس باید جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم).

و اما سخن شما که می‌پندارید: ما منکر علم، دانش، اقوال و مذهب اهل بیت می‌باشیم و با مذهب زیدی (زید بن علی بن

حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه مخالف هستیم؛ این یک دروغ و بهتان بزرگی علیه ما است، زیرا زید بن علی از نظر ما جزو علماء این امت می باشد، لذا هرگونه منقولات صحیحی از او که موافق قرآن و سنت باشد با دل و جان آن را می پذیریم، و هر آنچه مخالف قرآن و سنت باشد هرگز بدان تن نمی دهیم، همچنان که با اقوال سایر ائمه نیز چنین برخورد می نماییم^(۱).

خواننده‌ی گرامی: با قلب و بینشی پر از محبت حق و حقیقت.. گوشه‌هایی متنفر از شنیدن دروغ و بهتان و چشمانی که عاشق برهان و دلیل است به نکات زیر توجه کن:

- آیا کسی که محبت و موالات اهل بیت را واجب و ضروری می داند ممکن است که آنها را مورد نفرت و کینه قرار بدهد؟
- آیا معقول است کسی که محبت و موالات اهل بیت را همانند اصلی از اصول دین قرار داده با آنها به دشمنی و حداوت پردازد؟
- آیا ممکن است کسی که اجماع اهل بیت را حجت قلمداد نموده و اعلام داشته آنها بر گمراهی گرد نمی آیند با اهل بیت به مخالفت پردازد؟

(۱) الدرر السنیه من الأجوبة النجدية : ۲۴۹/۱.

محبت علی علیه السلام نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق است

شیخ سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب رحمته الله علیه می‌گوید: عبارت «یحب الله ورسوله ویحبه الله ورسوله» خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند) بیانگر فضیلت سترگی برای علی علیه السلام می‌باشد، زیرا این گواهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ایشان است. و همچنین بیانگر آن است که علی علیه السلام به طور کامل از پیامبرش تبعیت و پیروی نموده و به درجه‌ای دست یافته که خدا او را دوست داشته باشد، از این رو محبت او نشانه‌ی ایمان و نفرت از او نشانه‌ی نفاق می‌باشد^(۱).

و باز گفته: و علی ابن ابی طالب همان امام ابوالحسن هاشمی عموزاده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر فاطمه‌ی زهراء دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که نام اجدادش ابوطالب عبدمناف بن عبدالمطلب بن هاشم قریشی می‌باشد، ایشان از سابقین اولین به اسلام است که در جنگ بدر و بیعت‌الرضوان شرکت داشته و یکی از آن ده نفر می‌باشد که در دنیا گواهی بهشت برایشان اعلام شد و خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد. ایشان دارای فضائل و مناقب بسیاری هستند و در ماه رمضان سال چهارم هجری به دست ابن

(۱) تیسیر العزیز الحمید: ۱/۱۰۷. حافظ نیز همین مفاهیم را ذکر نموده است.

ملجم خارجی به درجه شهادت نائل آمدند^(۱).

باز در همان رساله آمده است: «عبارت: از علی بن حسین» یعنی: فرزند علی بن ابی طالب معروف به زین العابدین علیه السلام که از میان اقوام و خویشان خود بزرگترین و داناترین تابعین به شمار می آید. زهری می گوید: از میان اهل قریش بافضیلت تر از او را ندیده‌ام و بنا به قول صحیح ایشان در سال (۹۳ هـ) وفات فرمودند. پدر ایشان حسین، نوه و ریحانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده و در روز عاشوراء سال ۶۱ هـ در سن ۵۶ سالگی به درجه‌ی شهادت نائل آمدند^(۲).

این همان عقیده‌ای است که امام محمد بن عبدالوهاب فرزندان و نوه‌های خود را بر آن تربیت نمود که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست بدارند و حق آنها را شناخته و آنها را در مقام و منزلتی قرار بدهند که خدا و رسولش بدانها داده است.

اهل مدینه و اهل بیت علیهم السلام گردانندگان سنت می باشند

شیخ عبدالرحمن بن حسن آل الشیخ رحمته الله در کتاب «فتح المجید» هنگام شرح (باب ما جاء فی حمایة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) جناب

(۱) ۱۵۷/۱

(۲) ۳۰۹/۱

التوحيد وسده كل طريق يوصل إلى الشرك) سخنی به مضمون زیر از شیخ الاسلام ابن تیمیه را نقل می‌کند:
 شیخ الاسلام رحمته الله گفت: اهل مدینه و اهل بیت که از خویشان و همشهریان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند گردانندگان سنت می‌باشند، زیرا آنها از سایر مردم بیشتر بدان نیاز داشتند، پس آنها سنت را در کنترل خود قرار دادند^(۱).

و در باب منکر چیزی از اسماء و صفات می‌گوید: علی: امیر مؤمنان فرزند ابی طالب، پدر حسن و یکی از خلفای راشدین می‌باشد^(۲).

اینک یکی از نوه‌های شیخ محمد بن عبدالوهاب است که از شیخ الاسلام نقل قول می‌نماید و برای او اقرار می‌نماید که اهل بیت با توجه به اینکه از خویشان و همشهریان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند گردانندگان سنت می‌باشند و آن را در زیر نظر خود قرار داده‌اند، ایشان به خاطر شناختی که راجع به حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر و احترام از آنها را دارد و پیروی از دستورات خداوند و پیامبرش را واجب می‌داند معتقد است که علی بن ابی طالب یکی از خلفای راشدین می‌باشد و از سابق‌ترین سابقین است.

(۱) تحقیق: د. ولید بن عبدالرحمن آل فریان ط. دار الصمیعی (۱/۴۲۹).

(۲) ۶۷۴ / ۲

راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده

فرزندان امام محمد بن عبدالوهاب و شیخ حمد بن ناصر معمر می‌گویند: و اما در پاسخ سؤال راجع به فضائل اهل بیت پیامبر ﷺ می‌گوییم: راجع به فضائل اهل بیت احادیث بسیاری به درجه صحت رسیده؛ لازم به ذکر است که بسیاری از احادیث جعلی راجع به فضائل اهل بیت از نظر حفاظ مردود شمرده شده‌اند و آن را صحیح قلمداد ننموده‌اند، اما همان روایات صحیح راجع به فضائل آنها کافی است^(۱).

علی رضی الله عنه خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین می‌باشد

هنگامی که راجع به هجرت مسأله‌ای از سلیمان بن سحمان^(۲) پرسیدند، در پاسخ گفت: ... و هر کس آن را عیب شمارد و یا آن را انکار نماید در واقع از اصحاب پیامبر ﷺ به خصوص علی بن ابی طالب رضی الله عنه عیب گرفته است، در حالی که پیامبر ﷺ فرمود: «علیکم بستتی و سنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي، تمسکوا بها وعضوا علیها بالنواجذ، وایاکم وحدثات الأمور؛ فإن کل محدثة بدعة

(۱) الدرر السنية ۱ / ۲۰۸.

(۲) ایشان دانشمندی فهیم و دعوتگر شاعر هستند و اهل منطقه عسیر جنوب جزیره عربی می‌باشند که در سال ۱۳۴۹ هـ وفات فرمودند.

وکل بدعة ضلالة».

(به سنت من و سنت خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده‌ی بعد از من چنگ زنید و آن را محکم بگیرید و از دست ندهید، و از نوآوری در دین بپرهیزید، زیرا هر گونه نوآوری دینی بدعت، هر بدعتی گمراهی است). و علی رضی الله عنه خلیفه‌ی چهارم از خلفای هدایت‌یافته‌ی هدایت‌دهنده می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله به ما دستور داده سنت و هدایت آنها را فرا چنگ خود قرار دهیم. پس هر کس منکر آنچه باشد که ذکر نمودیم و از آن عیب و نقص بگیرد، اشتباه کرده و بهره‌ای از علم و دانش نبرده است و از چیزی حرف زده که نسبت بدان بی‌آگاه و نادان است^(۱).

و در کتاب «الضیاء الشارق» تحت حدیث استسقاء عمر رضی الله عنه به دعای عباس رضی الله عنه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌گوید: ... و بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به دعای عباس توسل نمودند و استسقاء (طلب باران) کردند. و از این رو علماء گفته‌اند: استسقاء با توسل به افرادی نیکوکار و اهل دین مستحب و سنت است. و بهتر آن است که به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله توسل شود^(۲).

(۱) الدرر السنیه: ۱ / ۵۹.

(۲) تحقیق: عبدالسلام آل عبدالکریم ط: دار العاصمة ۱۴۲۱ هـ (ص: ۵۵۲).

در هنگام شرح حدیث «أذکرکم الله فی اهل بیتی»^(۱) می‌گوید: ... این حدیث بیانگر تشویق و تحریک مسلمانان است برای اینکه نسبت به اهل بیت محبت و مودت داشته باشند، ولایت آنها را بپذیرند و حقوق آنها را ضایع ننمایند...^(۲)

شیخ، در این عبارات ارزشمند و پرفایده بُرد و مسافت محبت پیروان این دعوت را - که امتدادی برای منهج سلف صالح اهل سنت و جماعت می‌باشند- نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ بیان داشت، ایشان انکار سنت خلیفه‌ی هدایت یافته‌ی هدایت‌دهنده را کاری زشت و شنیع می‌شمارد و خطر آن کار را چنین به تصویر می‌کشد که فرمودند: اشتباه کرده و بهره‌ای از علم و دانش نبرده است و از چیزی حرف زده که نسبت بدان بی‌آگاه و نادان است. و در خصوص مسأله‌ی استسقاء نیز سخنانی ارائه دادند که بیانگر تعظیم و بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

محبت اهل بیت از چند طریق واجب است

شیخ عبدالرحمن بن ناصر بن سعدی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در شرح سخنان شیخ الاسلام ابن تیمیه راجع به موضع اهل سنت و جماعت در برابر

(۱) مسلم ۲۴۰۸.

(۲) الحجج الواضحة الإسلامية. تحقیق: محمد الفوزان ط: مکتبة الرشد ۱۴۲۰ هـ، ص: ۳۱۲.

اهل بيت پیامبر ﷺ می گوید:

محبت اهل بيت پیامبر ﷺ از چند طريق واجب و ضروری است: از جمله: به خاطر اسلام، فضیلت، سوابق، خویشاوندی با پیامبر ﷺ تشویق و تحریک پیامبر برای محبت آنها و اینکه محبت آنها نشانه‌ی محبت پیامبر ﷺ است^(۱).

به سخنان این علامه‌ی محقق نگاه کنید که بیان داشته محبت اهل بيت پیامبر ﷺ از چند طريق نه از یک طريق واجب گشته است، و این نشانه‌ی نهایت محبت و مودت ایشان نسبت به خاندان پیامبر ﷺ می باشد.

محبت اهل بيت واجب است بیشتر از ساير مسلمانان باشد

شيخ محمد بن ابراهيم رحمه الله تحت عنوان «فضیلت اهل بيت و اعتدال در محبت آنها» می گوید:

- فضیلت اهل بيت واضح و معلوم است و دلایل امتیازاتی نیز که آنها به خاطر خویشاوندی با پیامبر ﷺ کسب کرده‌اند، واضح و آشکار است، بنابر این واجب است محبت آنها نسبت به ساير مسلمانان بیشتر باشد.

(۱) التنبیهات الطیفة فیما احتوت علیه العقیدة الواسطیة من المباحث المنیفة (ص: ۱۲۱).

این است عقیده‌ی یکی از نوه‌های معاصر شیخ محمد بن عبدالوهاب - رحمهم الله اجمعین - که عبارت است از اینکه: محبت اهل بیت واجب است بیشتر از سایر مسلمانان باشد.

استفاده از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به اهل بیت

در سخنان امام محمد بن ابراهیم آل‌الشیخ به وفور دیده می‌شود که ایشان از دو کلمه‌ی «سید» و «شریف» برای منتسبین به اهل بیت استفاده نموده است، حال جهت تبیین و توضیح احترام، بزرگداشت و نهایت محبت این امام بزرگوار برای اهل بیت از کتاب «مجموع الفتاوی» برخی از سخنان ایشان در این خصوص را نقل می‌نمایم:

ایشان بیان داشته‌اند: الحمد لله والصلاة والسلام علی من لا نبی بعده: و بعد: ناصر بن صامل شریف راجع به برپاداشتن جمعه در مسجد واقع در محله‌ی حزم از روستاهای رنیه از من سؤال کرد...^(۱) و باز می‌گوید: ... و سید بزرگوار شیخ عباس مالکی و فضیلت شیخ محمد حرکان رئیس دادگستری بزرگ جده به مشارکت محمد بن لادن مدیر تأسیسات حکومتی، محمد صالح قزار،

(۱) مجموع فتاوی و رسائل الشیخ محمد بن ابراهیم (۳/ ۳۲).

حسین عجاج معلم و دو مهندس فنی طارق شواف و طه قرملی
پیرامون توسعه‌ی اردوگاه ...^(۱)

و گفته: از محمد بن ابراهیم به بزرگواران یاران فضیلت مشایخ
کرام: شیخ عبدالله بن جاسر رئیس هیئت تشخیص مکه، شیخ
سلیمان بن عبید رئیس دادگستری بزرگ مکه، شیخ سید علوی
عباس مالکی مدرس مسجد حرام، شیخ عبدالعزیز بن فوزان عضو
هیئت تشخیص مکه مکرمه ...

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.. و بعد: ...^(۲)

و بیان داشته: از محمد بن ابراهیم به شخصیت برجسته و
شریف جناب مکرم بن عبدالکریم راجحی (خدا او را محفوظ
بدارد): السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.. و بعد:

راجع به استفتای شما در خصوص ازدواج دخترت با فردی از
غیر اشراف اطلاع یافتم...^(۳)

و گفته: از محمد بن ابراهیم به حضرت سید علی البار محترم:
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.. و بعد: ...^(۴)

(۱) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۳/۵).

(۲) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۷۲/۵).

(۳) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۲۱/۱۰).

(۴) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۷۴/۹).

راجع به استفتای شما در خصوص رباط وقف شده بر سادات علوی به موجب آنچه که وقف کننده مشروط دانسته و کپی آن در پیوست نامه می باشد... .

و بیان داشته: و با اطلاع بر قواله وقف که از دادگستری مکه با شماره (۳۱) مؤرخه ۱۳۳۱/۱/۲۰ و شماره (۱۲۸) مؤرخه ۱۳۳۱/۱۲/۱۹ هـ و آنچه متضمن آن اولاً سید عبدالله دباغ می گوید که برادرش محمد، ناظر بر رباطهایی بوده و فوت کرده و آن رباط زنی شریفه بنام لبابه دختر سلطان اسماعیل واقع شده در مکه محله اجیاد، و وقف دیگر واقع شده در محله شامیه با خط سویقه، و وقف دیگر واقع شده در شعب عامر که واقف آن سلطان مغرب حسن بوده، و مصاریف وقف و شرطهای آن را ذکر کرده

و بیان داشته: از محمد بن ابراهیم به حضرت استاد سید علوی مالکی محترم: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.. و بعد:
نامه ی شما به مورخه ی (۷۵/۲۹) همراه نسخه ای از مجموعه تألیفات شما به دست ما رسید و در صفحات (۱۷۳ و ۷۴ و ۷۵) بحث (التحذیر من التبشیر) را مطالعه کردم و آن را همانند بهترین بحث تلقی نمودم. خداوند شما را توفیق دهد و از پاداش نیک محروم نگرداند...^(۱)

(۱) مجموع فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم (۱۳/ ۱۲۰-۱۲۱).

آیا ممکن است افراد منصف بعد از این بگویند: شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش نسبت به اهل بیت علیهم السلام نفرت و کینه به دل دارند؟!!

فضیلت علی علیه السلام و مناقب فراوان او

علامه عبدالرحمن بن قاسم نجدی رحمته الله راجع به مسأله‌ی تحریم زکات بر بنی هاشم می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله علت آن را چنین بیان داشت که زکات پلیدی مردم است و بر او صلی الله علیه و آله و بنی هاشم و موالیهایشان حرام می‌باشد، زیرا آنها مردمانی شریف هستند^(۱).
و در شرح حدیث: پرچم را به کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، خداوند خیبر را به دست او فتح خواهد کرد. مردم آن شب را با بحث و جستجوی اینکه پرچم به کدام یک از آنها داده می‌شود به سر بردند. وقتی که صبح شد نزد پیامبر رفتند و هر یک امیدوار بودند که پرچم به او داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب کجا است؟

بیان داشته که: این حدیث بیانگر فضیلت علی و فراوانی مناقب وی می‌باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به طور خاص برای او گواهی دادند... تا آنجا که می‌گوید: این حدیث بهترین دلیلی است علیه

(۱) حاشیه‌ی شماره ۴ کتاب (الروض المربع: ۳/ ۳۳۰).

نواصبی (امثال خوارج) که ولایت او را نمی‌پذیرند، یا اینکه او را تکفیر می‌نمایند و یا اینکه او را فاسق می‌شمارند ...^(۱)

عقیده‌ی همه‌ی اهل سنت و جماعت و همچنین عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش بر این است که هر کس ولایت علی رضی الله عنه را نپذیرد و بدان اقرار ننماید ناصبی و بدعت‌گرا است.

فاطمه ه از زنان کامل و سید زنان بهشت است

در (فتاویٰ اللجنة الدائمة: ۳/ ۲۳۵) آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه مژده داد که ایشان سید و بزرگ زنان بهشت می‌باشند.

و در (فتاویٰ و مقالات ابن باز: ۴۰۲/۷) آمده: ... از میان مردها افراد زیادی به درجه‌ی کمال دست یافته‌اند، اما محمد صلی الله علیه و آله از همه‌ی آنها کامل‌تر و فاضل‌تر است؛ زیرا در روایت صحیحی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «کمل من الرجال کثیر، و لم یکمل من النساء إلاّ مریم ابنة عمران و آسیة ابنة مزاحم - یعنی زوجه فرعون - و فضل عائشة علی النساء کفضل الثريد علی سائر الطعام».

(مردهای زیادی به درجه‌ی کمال رسیده‌اند، اما از میان زنان جز مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) زن

(۱) حاشیه‌ی ایشان بر کتاب التوحید. ص: ۶۱.

دیگری به آن درجه دست نیافته است، و فضل و برتری عایشه بر سایر زنان مانند فضل و برتری آب گوشت بر سایر غذاها است).
و در روایاتی دیگر به ثبوت رسیده که پیامبر ﷺ فرمودند: خدیجه دختر خویلد رضی الله عنها مادر فرزندان پیامبر رضی الله عنه جزو زنان کامل می باشد و به همین سان راجع به فاطمه دختر پیامبر رضی الله عنه نیز به ثبوت رسیده که فرمودند: ایشان سید زنان اهل بهشت می باشند، پس اینان (پنج زن ذکر شده) زنانی هستند که در میان سایر زنان به درجه‌ی کمال دست یافته‌اند.

عقیده‌ای که پیروان امام محمد بن عبدالوهاب بدان ایمان دارند و دانشمندان فرهیخته‌ی ایشان بدان تصریح می نمایند عبارت است از اینکه: فاطمه‌ی زهرا ه جزو زنان کامل و سید زنان بهشت می باشد.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه بزرگترین هدایت دهنده است

شیخ حمود بن عبدالله تویجری رحمته الله می گوید: ... و اما اجماع: اهل سنت و جماعت اجماع نظر دارند بر اینکه خلفای راشدین مهدیین نامی است برای ابوبکر، عمر، عثمان و علی ...^(۱)
و گفته: و لازم است بدانید که عیسی بن مریم بعد از رسول

(۱) الاحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر: ص: ۱۷.

خدا فاضل‌ترین هدایت‌دهندگان است، و بعد از ایشان نیز ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنه بزرگترین هدایت‌دهندگان می‌باشند^(۱). و باز گفته: اهل سنت قائل به ولایت همه‌ی مؤمنان هستند، فضیلت و ارزش اصحاب را می‌شناسند، حقوق آنها و اهل بیت را مراعات کرده و به کردار افرادی همچون مختار بن ابی عبید و ... از دروغگویان و حجاج و ... از ستمگران راضی نمی‌باشند^(۲).

شیخ محمد بن عبدالوهاب و پیروانش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند و محبت آنها را وسیله‌ی تقرب به خدا قرار می‌دهند

از امام عبدالعزیز ابن باز رحمته الله سؤال شد:

آیا صحیح است که وهابیون با اهل بیت دشمنی می‌ورزند و از مقام سید مخلوقات می‌کاهند؟ و حقیقت دعوت وهابیون چیست؟ و چرا به این شکل می‌جنگند؟

در پاسخ گفتند: شیخ محمد رحمته الله و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشته و قائل به فضل آنها می‌باشند، ایشان با توسل به محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر

(۱) ص: ۱۱۳.

(۲) ص: ۷۰۹.

ﷺ و فرزندان ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی طالب ﷺ و فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد ﷺ) و سایر اهل بیت که در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها بوده‌اند، به خداوند تقرب می‌جویند^(۱).

و ضمن رساله‌ی دیگری^(۲) می‌گوید: و از این طریق ماجرای میان علی و معاویه رضی الله عنهما به وقوع پیوست، از نظر اهل سنت علی رضی الله عنه بر حق بوده و در اجتهاد خود دو أجر را کسب نموده، و معاویه رضی الله عنه و همراهانش اشتباه کرده‌اند و علیه علی رضی الله عنه شورش نموده، اما ایشان خواهان حقیقت بوده و اجتهاد نموده، لذا یک أجر و پاداش را می‌گیرد. خداوند از همه‌ی آنها راضی باد.

و در رساله‌ی دیگری^(۳) می‌گوید: ... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روز عرفه در حجة الوداع خطاب به مردم فرمودند: «إني تارك فيكم ما لن تضلوا إن اعتصمتم به: كتاب الله». ويقول صلی الله علیه و آله و سلم أيضاً: «إني تارك فيكم ثقلين: كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي».

(در میان شما کتاب خدا (قرآن) را جا گذاشته‌ام که اگر بدان

(۱) از جمله سؤالهائی روزنامه‌ی «المسلمون» ۱۲/۳/۱۴۱۷.

(۲) مفهوم الاحادیث المتعلقة بالفتن: ۷/۳۶۳.

(۳) الوصية بكتاب الله القرآن الكريم: ۹/۱۴.

چنگ فرا زنید هرگز گمراه نخواهی شد) و در روایت دیگری آمده که فرمود: (من دو چیز گرانبها را در میان شما جا می‌گذارم: نخست کتاب خدا (قرآن) است که حاوی هدایت و نور می‌باشد، پس کتاب خدا را بگیرید و بدان تمسک جوئید. و دیگری: اهل بیت است، در حق اهل بیت خدا را به یاد شما می‌آورم).

مراد پیامبر ﷺ از اهل بیت: همسران و خویشاوندانش از بنی هاشم است، راجع به اهل بیتش خدا را به یاد مردم می‌آورد که نسبت به آنها با مهربانی و نیکوکارانه رفتار نمایند، آنها را اذیت و آزار نرسانند و تا وقتی که بر دین اسلام ماندگار باشند و از شریعت الهی تبعیت نمایند حقوق آنها را بپردازند. و باز آمده^(۱) که:

س: کلمه «یا سید فلان» در میان ما به وفور استعمال می‌شود، زیرا شخص مخاطب با خانواده‌ی مشخصی فامیل می‌باشد، آیا این حرف صحیح است؟

ج: اگر با این نام شناخته شده باشد اشکالی ندارد؛ زیرا کلمه‌ی «سید» برای رئیس، فقیه، دانشمند و نسل فاطمه از فرزندان حسن و حسین استعمال می‌شود و در میان مردم رایج گشته است. لازم به ذکر است که عرب رئیس قوم خود را «ساده» می‌نامند. و پیامبر ﷺ

(۱) مجموع فتاوی و مقالات متنوعه: ۹/ ۲۹۰-۲۹۱.

نیز از اعرابهای اطراف مدینه که به خدمتش می رسیدند، می پرسید:
ای بنی فلان سید شما کیست؟ یعنی رئیس شما کیست؟
و پیامبر ﷺ راجع به حسن رضی الله عنه فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَلَعَلَّ
اللَّهُ أَنْ يَصْلِحَ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ...».

(این فرزند من سید است و امید دارم که خداوند به وسیله‌ی
او میان دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار نماید).
این عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب است که از کتاب خدا
و سنت پیامبر ﷺ استنباط نموده و بدان باور داشت و آن را در
کتابهایش منتشر می نمود، و همه‌ی پیروان و دوستدارانش نیز
همین عقیده را دنبال کردند و از آن پیروی نمودند، اینک امام
معاصر با کمال وضوح و روشنی تصریح می نماید و می گوید:

شیخ محمد رحمته الله و پیروان تلاشگر ایشان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله
را دوست داشته و قائل به فضل آنها می باشند، ایشان با توسل به
محبت اهل بیت و دعای مغفرت، رحمت و رضایت برای افرادی
همچون عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان
ایشان، و افرادی همچون خلیفه‌ی چهارم علی بن ابی طالب رضی الله عنه و
فرزندان ایشان (حسن و حسین و محمد رضی الله عنهم) و سایر اهل بیت که
در توحید، اطاعت از خدا و بزرگداشت شریعت الهی رهرو آنها
بوده‌اند، با محبت آنها به خداوند تقرب می جویند.

محبت اهل بیت پیامبر ﷺ یکی از اصول اهل سنت و جماعت است

علامه شیخ محمد بن عثمان رحمته الله می گوید: ... ظاهراً کلمه‌ی «سید» برای نسل پیامبر ﷺ یعنی فرزندان فاطمه رضی الله عنها از دختر و پسر استعمال می‌شود. و کلمه‌ی «شریف» نیز برای آنها بکار برده می‌شود، و برخی اوقات کلمه‌ی «شریف» برای هاشمی استفاده می‌شود^(۱).

و گفته: اهل بیت پیامبر ﷺ عبارتند از؛ همسران ایشان و همه‌ی خویشاوندانش که زکات بر آنها حرام است، امثال: خاندان علی، جعفر، عباس و ...؛ و آنچه واجب است که در برابر آنها انجام شود محبت، احترام و بزرگداشتشان می‌باشد، زیرا آنها به خدا ایمان داشتند و از خویشان پیامبر ﷺ می‌باشند و پیامبر ﷺ راجع به آنها چنین توصیه فرموده: «أذکرکم الله فی اهل بیتی».

(راجع به اهل بیتم خدا را به یاد شما می‌آورم).

و به خاطر اینکه محبت و بزرگداشت آنها نشانه‌ی ایمان است؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمودند: «والله لا یؤمنون حتی یحبوکم الله ولقرباتی».

(به خدا سوگند تا وقتی که شما را به خاطر خدا و به خاطر

(۱) فتاویٰ سؤال. ج ۳ ص ۴۶۹.

خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد^(۱).

و باز در شرح «لمعة الاعتقاد» بیان می‌دارد: این چهار نفر خلفای هدایت یافته و هدایت دهنده‌ای هستند که پیامبر ﷺ در حق آنها فرمود: «علیکم بستتي، وسنة الخلفاء الراشدين من بعدي، عضوا علیها بالنواجذ».

(به سنت من و سنت خلفای هدایت یافته‌ی هدایت دهنده‌ی بعد از من چنگ فرا زنید و آن را محکم با دندان بن خود بگیرید)^(۲). و باز در همان نوشتار بیان داشته: حسن، حسین و ثابت بن قیس نیز از کسانی هستند که پیامبر ﷺ برای آنها گواهی بهشت دادند.

پیامبر ﷺ فرمودند: «الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة»^(۳). (حسن و حسن سید و رئیس جوانان اهل بهشت هستند). و خطاب به ثابت بن قیس فرمودند: «إنک لست من أهل النار، ولكنک من أهل الجنة»^(۴).

(۱) مجموع الفتاوی: ۴/۳۰۷.

(۲) مجموع الفتاوی: ۵/۷۸-۷۹.

(۳) رواه الترمذی و قال حسن صحیح.

(۴) رواه البخاری.

(شما از اهل دوزخ نیستی، بلکه از اهل بهشتی).

حسن نوه و ریحانه‌ی پیامبر ﷺ است، ایشان امیر مؤمنان بن امیر مؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ هستند، در ۱۵ رمضان سال سوم هجری چشم به دنیا گشودند و در ربیع الاول سال (۵۰ هـ) در شهر مدینه وفات فرمودند و در قبرستان بقیع دفن شدند. و حسین نیز نوه و ریحانه‌ی پیامبر ﷺ است، ایشان فرزند علی بن ابی طالب ﷺ هستند، در شعبان سال (۴ هـ) چشم به دنیا گشودند و در (۱۰ محرم سال ۶۱ هـ) در کربلا به درجه‌ی شهادت نائل آمدند^(۱).

و بیان داشته: ما بر محبت این اصحاب خدا را گواه می‌گیریم، و با زبانمان به نحو شایسته‌ای آنها را تمجید می‌نماییم؛ و از آن دو منهج گمراه تبرئه می‌جوییم: منهج روافضی که در حق اصحاب ناسزا می‌گویند و راجع به اهل بیت افراط می‌نمایند؛ و منهج نواصبی که اهل بیت را مورد دشمنی و کینه خود قرار می‌دهند، و معتقدیم که اگر اهل بیت از اصحاب باشند، سه حق را دارند: حق ایمان، حق صحابه بودن و حق خویشاوندی با پیامبر ﷺ^(۲). و در همان نوشته در شرح قول مصنف که گفته: «و اهل بیت

(۱) مجموع الفتاوی: ۵/ ۸۰-۸۱.

(۲) شرح الواسطیة: ۵۸۸ [ط: الاولی. دار الثریا].

پیامبر ﷺ را دوست دارند» می گوید:

یعنی: و از جمله اصول اهل سنت و جماعت این است که به خاطر دو ویژگی اهل بیت را دوست دارند: یکی: ایمان و دیگری: خویشاوندی با پیامبر ﷺ، و هرگز آنها را مورد نفرت قرار نمی دهند.

بنابر این محبت علی رضی الله عنه از طریق تنفر و نفرت از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما ممکن نیست، تا اینکه چنان تلقی شود که ابوبکر و عمر با علی دشمن بوده اند، با وجود اینکه به تواتر رسیده است که علی رضی الله عنه بر منبر آنها را می ستود.

می گوئیم: ما بر محبت اهل بیت پیامبر ﷺ و خویشاوندی ایشان خدا را گواه می گیریم، آنها را به خاطر محبت خدا و رسولش مورد محبت و مودت خویش قرار می دهیم.

عباس وقتی که شکایت دوری قریش از بنی هاشم را نزد پیامبر ﷺ برد، در جواب فرمودند: «والذي نفسي بيده لا يؤمنون حتى يحبوكم لله ولقرايتي».

(سوگند به کسی که جان من در دست او است تا وقتی که شما را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد).

پیامبر ﷺ سوگند یاد نمودند که ایمانشان کامل نخواهد شد تا

وقتی که به خاطر خدا آنها (اهل بیت) را دوست نداشته باشند، این نوع از محبت سایر مسلمانان نیز با آنها مشارکت دارند، زیرا بر هر مسلمانی واجب است که به خاطر خدا سایر مسلمانان را دوست داشته باشد، اما وقتی فرمودند: «و به خاطر خویشاوندی با من» این یک محبت اضافی است که علاوه بر محبت و مودت به خاطر خدا تنها شامل اهل بیت پیامبر ﷺ می‌باشد.

پس عقیده‌ی اهل سنت و جماعت راجع به اهل بیت عبارت است از اینکه: آنها را دوست داشته و ولایت آنها را پذیرفته و وصیت پیامبر ﷺ در خصوص آنها را اجرا می‌نمایند. و مقام و منزلتی ما فوق منزلت واقعی را به آنها نمی‌دهند، بلکه از کسانی تبرئه می‌جویند که در حق آنها تا حد الوهیت افراط نموده‌اند^(۱).

و در «منهاج اهل السنة والجماعة» می‌گویند: ... اهل سنت و جماعت نیز می‌گویند: برخی از اصحاب دارای امتیازاتی ویژه هستند و لازم است که آنها را در مقام خود قرار داد، بنابر این اصحابی که از اهل بیت پیامبر ﷺ هستند، امثال: علی بن ابی طالب، حمزه، عباس، ابن عباس و ... از نظر ما - به خاطر قرابتی که با پیامبر ﷺ دارند - محبوب‌تر از سایر اصحاب می‌باشند.

تا آنجا که می‌گویند: اهل سنت و جماعت همانند روافض در

(۱) ص: ۶۰۸-۶۱۰.

خصوص اهل بیت افراط نمی‌کنند، و همانند نواصب نیز با آنها به جنگ و عداوت نمی‌پردازند، بلکه در میان آن دو منهجی میانه را دنبال می‌کنند، و به خاطر قرابتی که با پیامبر ﷺ دارند حق آنها را شناخته و منزلت و مقام واقعی را بدانها می‌دهند^(۱).

و در شرح بیت شماره ۱۸۴ کتاب «شرح السفارینیه» می‌گوید: ... ما به دو دلیل مؤمنان اهل بیت را دوست داریم، یکی اینکه مؤمن هستند، دیگری اینکه با پیامبر ﷺ خویشاوند هستند، و از این رو آنها را بر دیگران برتری می‌دهیم، اما به طور مطلق آنها را از فضیلت برخوردار نمی‌نماییم، بلکه منزلت و مقام واقعی را برایشان در نظر می‌گیریم، آنها (اهل بیت) نیز کاملاً بدان راضی هستند، زیرا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه که امام اهل بیت است بر منبر کوفه اعلام می‌داشت: «خیر هذه الأمة بعد نبیها ابوبکر ثم عمر».

(بعد از پیامبر ﷺ ابوبکر سپس عمر بهترین خلق خدا می‌باشند).

و در شرح بیت شماره (۱۵۱) راجع به روافض و نواصب می‌گوید: ... چه کسی از گروهی فرمانبرداری می‌کند که با اهل بیت دشمنی می‌ورزند؟

چه کسی از آنها فرمانبرداری می‌نماید که در حق علی بن

(۱) مجموع الفتاوی: ۲۰۴/۵.

ابی طالب ناسزا می گوید؟

همه‌ی مردم از بینش و رفتار آنها تنفر می نمایند...

و باز می گوید: کسان دیگری هستند که بر عکس گروه قبلی با اهل بیت و در رأس آنها علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی و عداوت می ورزند، و پناه بر خدا در حق آنها ناسزا می گویند و از آنها نفرت می جویند، اینها نیز به حق اهل بیت تجاوز کرده اند؛ وای به حال هر دو گروه: چه اینها و چه آنها...

و تحت آن گفته: علی بن ابی طالب با توجه به ذکاوت و دانش گسترده‌ای که داشتند شهرت کسب کرده بود.

و در شرح اربعین نووی تحت حدیث شماره (۱۱) می گوید: از ابی محمد بن حسن بن علی علیه السلام نوه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله که فرزند بزرگ ایشان می باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله او را تمجید نمود و فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَسَيُصَلِّحُ اللَّهُ بَيْنَ فِتْنَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

(این فرزند من سید است و خدا به وسیله‌ی او میان دو دسته از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می نماید).

پس خداوند به وسیله‌ی او میان دو گروه متنازع و دارای اختلاف صلح و آشتی برقرار نمود، آنگاه که برای معاویه بن ابی سفیان از خلافت تنازل نمودند، و با انجام این کار به سیادت

دست یافتند.

خواننده‌ی گرامی به سخنان این امام رَضِيَ اللهُ تَوْجِهَهُ كُنْ که می‌فرماید: ما بر محبت اهل بیت و قرابت ایشان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، خدا را گواه می‌گیریم. حال صادقانه از خود سؤال کن و بپرس: آیا بعد از این نیز، دلیل دیگری برای محبت اهل سنت و جماعت - که محمد بن عبدالوهاب و پیرانش نیز از آنها هستند - نسبت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لازم و ضروری است؟!!

کتابی راجع به فضیلت و دانش اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

شیخ محمد بن علامه عبدالرحمن بن قاسم نجدی رَضِيَ اللهُ تَوْجِهَهُ راجع به موقف و موضع اهل سنت و جماعت در برابر اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کتاب جداگانه‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورده است و آن را «آل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وأولياؤه» نام داده است، ایشان در ضمن آن کتاب راجع به عقائد، فضائل، فقه و فقهای اهل بیت بحث رانده است. ایشان آن را از کتاب «منهاج السنه النبويه» نوشته‌ی ابن تیمیه رَضِيَ اللهُ تَوْجِهَهُ خلاصه نموده است.

این نیز نشانه‌ی نهایت محبت، موالات، بزرگداشت و محبتی صادقانه نسبت به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.

علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام فاضل ترین اهل بیت می باشند

شیخ عبدالعزیز سلمان رحمته الله می گوید: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام می باشد، آنها هم عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عباس و حارث بن عبدالمطلب و طبق مضمون آیهی سورهی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جزو اهل بیت ایشان هستند؛ اما علی رضی الله عنه، فاطمه، حسن و حسین که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را زیر عبای خود قرار داد و دعایی مخصوص در حق آنها خواند از همه ی اهل بیت فاضل تر هستند... تا آنجا که گفت: قحطانی در حق آنها چنین سروده:

أكرم بفاطمة البتول وبعلمها وبمن همالمحمد سبطان
غصنان أصلهما بروضة أحمد لله درّ الأصل والغصنان

(از فاطمه ی پاکدامن و همسرش و از نوه های محمد صلی الله علیه و آله و سلم احترام بگیر؛ نوه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو شاخه هستند که اصل آنها باغچه ی احمد است، زیبایی اصل و شاخه از آن خدا است).

اهل سنت نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهایت محبت، احترام و بزرگداشت را انجام می دهند، زیرا آنها از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمان هستند و به خاطر یاری رسانی به دین خدا مورد امتحان و آزمایش الهی قرار گرفتند، پس احترام و نیکی در حق آنها،

احترام و بزرگداشتن در حق پیامبر ﷺ است ... (۱).
 آری این یکی از پیروان شیخ محمد بن عبدالوهاب است که
 اعلام می‌دارد محبت و احترام و بزرگداشت اهل بیت ﷺ و در
 رأس آنها علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ واجب است.

علی بن ابی طالب ﷺ عاقل‌ترین، ماهرترین، داناترین و حافظ‌ترین اصحاب است

شیخ عبدالله بن جبرین می‌گوید: ... علی بن ابی طالب ﷺ
 عاقل‌ترین و ماهرترین انسان می‌باشد، ایشان به شجاعت و دلیری
 شهرت داشتند، دوران کودکی را زیر نظر پیامبر ﷺ سپری
 نمودند، در ابتدای نزول وحی نوجوانی نونهال بودند، او نخستین
 کودکی است که به پیامبر ﷺ ایمان آورد، سپس از همان اوائل
 (قبل از هجرت) به پیامبر ﷺ پیوست، اما به خاطر اینکه کودک
 و کم سن و سال بود و به دین اسلام ایمان داشت، نتوانستند از
 پیامبر ﷺ دفاع نمایند، و هنگامی که پیامبر ﷺ همراه ابوبکر
 هجرت نمود، علی را جای خود جا گذاشت و او را بر رختخواب
 خود خواباند، سپس بعد از هجرت با فاطمه ازدواج نمود و
 فرزندان هم‌چون: حسن، حسین، محسن و ام‌کلثوم را برای او به
 دنیا آورد و فاطمه نیز بعد از شش ماه از فوت پدرش وفات

(۱) الكواشف الجلیة عن معانی الواسطیة : ص: ۷۰۰.

فرمودند، علی رضی الله عنه بعد از فوت فاطمه با زنان دیگری ازدواج نمود و خداوند از آنها نیز فرزندان دیگری را به او عطا کرد، و بعد از شهادت عثمان رضی الله عنه مردم با او بیعت نمودند و او را به عنوان خلیفه انتخاب کردند، اما اهل شام بر علیه او شورش کردند و قاتلین عثمان را از او مطالبه می کردند و برخی از اصحاب نیز علیه او قیام کردند و به خاطر انتقام از قاتلین عثمان راهی عراق شدند، از این رو در دوران خلافت ایشان فتنه و آشوبهای زیادی به وقوع پیوست و نتوانستند خلافت را به اتمام برسانند.

علی رضی الله عنه جز در غزوه‌ی تبوک که به عنوان سرپرست خانوده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جا ماند، در سایر غزوه‌ها همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال نهم هجری بعد از ابوبکر او را فرستاد تا که امان و تعلیمات را به حجاج ابلاغ نماید.

و از نظر علم و فقه از همه‌ی اصحاب داناتر و دارای حافظه‌ای قوی‌تر بودند، از این رو اگر علم و دانش ایشان خلاصه می گشت، خیر و برکت زیادی را در بر داشت، زیرا ایشان از منقولات و دلایل استفاده می کرد، پس اگر نصی را نمی یافت خود اجتهاد می کرد و نظر می داد، همچنانکه در قضیه‌ی «زییه» و ... بنا به اجتهاد خود فتوی را صادر نمود^(۱).

(۱) فتاوی ابن جریرین: ص: ۳۵-۳۶ [ط. المكتبة التوفیقیة].

و در شرح «لمعة الاعتقاد: ص-۱۷۱» چنین بیان می‌دارد: و به بهشتی بودن کسانی همچون حسن و حسن که پیامبر ﷺ در حق آنها گواهی بهشت داده، ما نیز گواهی می‌دهیم.

و باز بیان داشته: ... خلاصه اینکه اهل سنت در صدد کسب رضایت اهل بیت نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند و سفارش پیامبر ﷺ در حق آنها را به جا می‌آورند که فرمود: «أذکرکم الله فی أهل بیتي»^(۱). (راجع به اهل بیتم خدا را به یاد شما می‌آورم).

و آنها در این خصوص از نقص عقیده و ایمانشان نیز واهمه دارند، نظر به اینکه پیامبر ﷺ ضمن روایت زیر راجع به اهل بیت، امتش را تهدید نمودند، آنگاه که عباس دوری قریش از بنی‌هاشم را برایش بازگو نمود، فرمودند: «والذی نفسی- بیده لا یؤمنون حتی یحبوکم الله ولقرا بیتی»^(۲).

(سوگند به کسی که جان من در دست او است تا وقتی که شما را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست نداشته باشند، ایمانشان کامل نخواهد شد)^(۳).

(۱) اخرجه مسلم (۲۴۰۸).

(۲) امام احمد آن را در «المسند» خود گزارش داده و احمد شاکر نیز آن را صحیح شمرده است.

(۳) شرح العقيدة الواسطية: ۲/۲۲۵.

کسانی که علی رضی الله عنه را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند

شیخ صالح الفوزان در معرض گفتار شیخ الاسلام ابن تیمیه در شرح عقیده واسطیه می‌گوید: آنجا که شیخ الاسلام بیان داشته: و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارند و ولایت آنها را پذیرفته و آن توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم راجع به آنها را مراعات می‌نمایند که در غدیر خم فرمود: «أذکرکم الله فی اهل بیتی»^(۱).

(راجع به اهل بیتم خدا را به یاد شما می‌آورم).^(۲)

شیخ صالح الفوزان راجع به این سخن شیخ الاسلام گفته: شیخ السلام رحمته الله در این سخن خود منزلت اهل بیت از منظر اهل سنت و جماعت را بیان داشته و اعلام نموده که آنها اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارند.

اهل بیت: خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی کسانی که صدقه بر آنها حرام است اهل بیت نامیده می‌شوند، که عبارتند از: خاندان علی، جعفر، عقیل، عباس، حارث بن عبدالمطلب، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دخترانش. همانگونه که خداوند راجع به آنها می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب:

(۱) اخرجہ مسلم (۲۴۰۸).

(۲) العقيدة الواسطية (ص: ۱۹۵) ط. مكتبة المعارف.

۳۳). «خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».

اهل سنت آنها را دوست داشته و نسبت به آنها نهایت احترام و بزرگداشت را رعایت می‌نمایند، زیرا احترام از آنها احترام از پیامبر ﷺ است و همچنین خدا و رسولش بدان (احترام از اهل بیت) دستور داده‌اند؛ خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (الشوری: ۲۳).

«در برابر آن از شما پاداش و مزدی نمی‌خواهم مگر آن که به خاطر خویشاوندی‌ام مرا دوست داشته باشید (یعنی: بلکه آنچه از شما می‌طلبم، مودت و دوستی در قرابت و نزدیکی نسبی‌ای است که میان من و شما وجود دارد، پس فقط صله و پیوندی را که میان من و شما وجود دارد، در نظر آورید و همان را رعایت کنید و اگر فقط این را در نظر داشته باشید، بر من عجولانه نمی‌تازید و میان من و مردم را خالی کرده و اجازه می‌دهید که این دعوت را به آنان برسانم)».

و راجع به محبت اهل بیت روایاتی از پیامبر ﷺ نقل شده - از جمله آنچه شیخ بدان اشاره نمود- که بیان می‌دارد در صورت التزام، استقامت و پایدار ماندنشان بر سنت پیامبر ﷺ، لازم است

مورد محبت و مودت قرار بگیرند [همانند: عباس و فرزندان او و علی و فرزندان او]. اما در صورتی که با سنت و اخلاق دینی مخالفت ورزیدند و از آن روی گردانند محبت آنها به هیچ وجه جایز نیست، اگر از اهل بیت نیز باشند.

«ولایت آنها را پذیرفته»: یعنی آنها را دوست دارند. و «توصیه‌ی پیامبر ﷺ راجع به آنها را مراعات می‌نمایند»: یعنی بدان عمل نموده و آن را تطبیق می‌نمایند. «در غدیر خم فرمود»: «غدیر» در اینجا به معنی استخر و رودخانه است. راجع به «خم» نیز گفته‌اند: نام مردی است که غدیر را بدان نسبت می‌دهند، و یا گفته‌اند: خم به معنی درختان در هم آمیخته است و از این رو غدیر بدان نسبت داده شده که در آن واقع شده است.

وقتی که پیامبر ﷺ از حجة الوداع به طرف مدینه بازگشت و به این رودخانه رسید، خطبه‌ای را ارائه داد که ضمن آن به روایت زیر اشاره نمود: «أذکرکم الله فی اهل بیتی».

یعنی: راجع به اهل بیتم دستوراتی را به یاد شما می‌آورم که خدا بدان دستور داده است، اینکه آنها را مورد احترام، اکرام و بزرگداشت قرار دهید و حقشان را پایمال ننمایید.

و وقتی که عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف به او خبر داد که برخی از قریش صله‌ی رحم را در حق آنها ترک کرده

و با آنها نیکی نمی کنند، پیامبر ﷺ فرمود: «والذي نفسي بيده». (سوگند به کسی که جان من در دست او است) «لا يؤمنون» (ایمانشان کامل نخواهد شد). «حتیٰ یحبوكم الله ولقرابتی» (تا وقتی که شما را به خاطر دست یابی به دو چیز دوست نداشته باشند: نخست: به خاطر خدا؛ زیرا اهل بیت، اولیا و دوستان خدا هستند).

دوم: به خاطر خویشاوندی با پیامبر ﷺ، زیرا دوست داشتن آنها راهی است برای کسب رضایت پیامبر ﷺ و احترام از ایشان).

پیامبر ﷺ فرمود: «إنَّ الله اصطفیٰ بني إسماعیل واصطفیٰ من بني إسماعیل کنانة واصطفیٰ من کنانة قریشاً، واصطفیٰ من قریش بني هاشم، واصطفاني من بني هاشم».

خداوند فرزندان اسماعیل بن ابراهیم عليه السلام را انتخاب کرد و از میان فرزندان اسماعیل قبیله ی کنانه بن خزیمه را انتخاب نمود و از قبیله ی کنانه طایفه ی قریش (فرزندان مضر بن کنانه) را انتخاب نمود و از قریش نیز بنی هاشم (فرزندان هاشم بن عبدمناف) را انتخاب کرد و از میان بنی هاشم نیز مرا (محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن

کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان) برگزید.

این حدیث بیانگر آن است که: عرب بر سایر مردم برتری دارند و از میان عرب قریش بر همه برتری دارد، و از میان قریش نیز بنی هاشم بر سایر طایفه‌ها برتری دارد، و پیامبر ﷺ از همه‌ی بنی هاشم افضل‌تر است؛ پس شخص پیامبر ﷺ از همه‌ی مردم بزرگتر و نسب ایشان نیز بر سایر ملتها برتری دارد از این رو بنی هاشم که از خویشان پیامبر ﷺ هستند داری فضیلتی ویژه می‌باشند.

و در مقدمه‌ی کتاب «شیخ الاسلام ابن تیمیه لم یکن ناصبیا» می‌گوید: کسانی که علی رضی الله عنه را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند، آنها (اهل سنت و جماعت) ایشان (علی رضی الله عنه) را همانند خلیفه‌ی چهارم از خلفای راشدین و یکی از سابقین اولین و یکی از ده نفری که در این دنیا مژده‌ی بهشت را دریافت نمودند، حساب می‌نمایند^(۱).

و در شرح آیه‌ی زیر که خداوند فرموده: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

(۱) ص: ۵ . ط. دار الوطن.

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴿۲۳﴾ (الشوری: ۲۳). (ترجمه آن گذشت).

می‌گوید: قول سوم: مراد از کلمه‌ی «قربی» اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌باشند، که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از امت اسلامی خواسته آنها را مورد محبت و احترام و اکرام قرار دهند، و این، یک حق است که باید در برابر آنها انجام داده شود، زیرا امت اسلامی در برابر افراد صالح و پایدار بر دین خدا از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حقی دارند که باید آن را مراعات نمایند و به مقتضای شریعت اسلامی آنها را مورد محبت، مودت، احترام و بزرگداشت قرار دهند^(۱).

و در تعلیقات مختصر خود بر طحاویه می‌گوید: این موقف مسلمانان در برابر اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، از خدا برای آنها طلب مغفرت نموده و خواهان این هستند که خداوند نسبت به اصحاب و اهل بیت کینه‌ای در دلشان قرار ندهد، زیرا اهل بیت حق خویشاوندی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حق ایمان را بر مسلمانان دارند و مذهب اهل سنت و جماعت این است که: اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوست داشته و ولایت آنها را مراعات می‌نمایند.

اما نواصب: ولایت اصحاب را رعایت می‌نمایند و نسبت به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بغض و کینه را به دل دارند، از این رو نواصب نامیده شده‌اند که دشمنی و عداوت با اهل بیت پیامبر

(۱) الفتاوی: ۱/۳۳۵.

را بر پیشانی خود نصب نموده‌اند^(۱).

و باز گفته: همسران پیامبر ﷺ نخستین افراد اهل بیت علیها السلام هستند؛ خداوند متعال در خطاب به همسران پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب: ۳۳).

(خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد).

بنابر این نخستین افرادی که تحت اهل بیت قرار می‌گیرند عبارتند از: همسران پیامبر ﷺ سپس خویشاوندانش از خاندان عباس، ابوطالب و خاندان حارث بن عبدالمطلب^(۲).

و باز گفته: برتری میان مهاجرین نیز وجود دارد: برترین همه‌ی اصحاب به طور اطلاق خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) می‌باشند، اینها به طور مطلق بر سایر اصحاب برتری دارند^(۳).

و باز گفته: ... علی بن ابی‌طالب: خلیفه‌ی چهارم، پسر عموی پیامبر ﷺ، همسر فاطمه دختر پیامبر ﷺ و پدر حسن و حسین

(۱) ص: ۲۲۷ ط. دار العاصمة.

(۲) ص: ۲۳۵

(۳) شرح لمعة الاعتقاد لابن قدامة رحمه الله ص: ۲۳۱ ط. اول باشراف عبدالسلام سلیمان.

دو نوهی پیامبر ﷺ و دو سید جوانان اهل بهشت است، جهاد، شجاعت، عبادت، علم، زهد و ... ایشان مشهور و معروف می‌باشد^(۱).

و گفته: پیامبر ﷺ برای حسن و حسین گواهی دادند که اهل بهشت می‌باشند: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»^(۲).
(حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت هستند)^(۳).

و راجع به صلح حسن بن علی با معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر ﷺ ضمن نقل معجزه‌ای به این قضیه اشاره نمود، آنجا که فرمود: «إن ابني هذا سيد، وسيصلح الله به بين فئتين عظيمتين من المسلمين»^(۴).

(این فرزند من سید است و خدا به وسیله‌ی او میان دو دسته از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می‌نماید).

حسن بن علی رضی الله عنه با تنازلی که در برابر معاویه بن ابی سفیان انجام داد مصالح هنگفتی را برای مسلمانان بازگرداند...^(۵).

(۱) ص: ۲۳۴.

(۲) امام احمد در مسند خویش (۱۰۹۹۹) این روایت را گزارش داده است.

(۳) ص: ۲۳۹.

(۴) بخاری (۲۷۰۴) این را گزارش کرده است.

(۵) ص: ۲۶۱.

و گفته: زید بن علی رضی الله عنه یکی از ائمه‌ی اهل بیت است؛ و جعفر صادق رضی الله عنه نیز از علمای اهل سنت و علمای سلف می‌باشد.
 شیخ - حفظه الله - ضمن این عبارات فراوان به طور واضح و روشن عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را در برابر اهل بیت علیهم السلام بیان می‌دارد و صریح و روشن می‌گوید: کسانی که علی رضی الله عنه را دوست دارند اهل سنت و جماعت می‌باشند.

آیا بعد از تمام آنچه که بیان داشتیم باز راهی برای دشمنان این دعوت مبارک باقی مانده تا با زشت‌ترین تهمتها (تنفر از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را متهم نمایند.

﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾ (۸۱) (الإسراء):

(۸۱).

«و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی

است.»

خاتمه

در اینجا قلم از نوشتن باز ایستاد و امیدوارم که همراه با آن هرگونه دروغ و اتهام در برابر این شیخی که تمام حیاتش را برای دفاع از دین اسلام، حفظ مقام توحید، اخلاص عبادت برای خداوند متعال، دور انداختن شرک و دشمنی با اصحاب پیامبر و تحقیق توحید و محبت موحدان به کار بست، متوقف شود.

در اینجا روی سخنم را متوجه هر مسلمانی می‌کنم که با عقل و فکرش از تبعیت مذموم دوری می‌جوید و از تقلید کورکورانه خود را می‌رهاند، و خطاب به او می‌گویم: تنها چیزی که از شما خواسته می‌شود این است که به نوشته و کتابهای این نویسنده مراجعه نمایید که بسیاری از مردم در حق او بی‌ادبی را نشان داده، و بسیاری نیز به مقام و منزلت وی پی برده‌اند.

عبارات و سخنان آنها بیانگر این است که آنها نسبت به اهل بیت کرام نهایت محبت، مودت و احترام داشته و با شناختی کامل نسبت به اهل بیت از حقوق آنها دفاع نموده و از فضائل و مناقب آنها بحث می‌نمایند و دشمنان نواصب و... آنها را مورد نکوهش قرار می‌دهند.

خواننده‌ی گرامی! اینک چند نوشته را به شما معرفی می‌کنم: کتاب «التوحید»، «کشف شبهات»، «اصول سه‌گانه»، «قواعد

چهارگانه»، «نواقض اسلام»، «آداب رفتن به نماز» و... سایر نوشته و کتاب و فتاواهای ایشان و سایر دعوتگران این منهج مبارک بعد از ایشان می باشد.

آنچه را که می خوانی در کنار قرآن و سنت صحیح پیامبر ﷺ قرار بده، و با نگرشی منتقدانه بدان نگاه کن که آیا چیزی مخالف کتاب و سنت را در آن می یابی؟

عقیده‌ی شیخ محمد بن عبدالوهاب و فرزندان و پیروانش نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ خارج از وصیت پیامبر ﷺ و رفتار سلف صالح با آنها نیست و نهایت محبت، مودت و رعایت حقوق را در برابر آنها به جای می آورند.

آری آنها مطابق منهج شریعت اسلام رفتار می نمایند؛ همانند نواصب و همراهانشان تقصیر و کوتاهی نمی ورزند، و همانند افراط‌گرایان و پیرانشان افراط نمی کنند، زیرا حق اهل بیت این نیست که معصوم و مقدس خوانده شوند و در برابر آنها افراط شود.

و رعایت حقوق اهل بیت مشروط به این شرط است که بر منهج و سنت نبوی پایدار مانده و از راه و روش او بیرون نرفته باشد.

در پایان به تمامی نوادگان اهل بیت می گویم: به خدا سوگند

شما را به خاطر کسب رضایت الهی دوست داریم، خوشبختیم که شما را دنباله‌رو سنت پیامبر ﷺ می‌بینیم، بدون شک شما از سایر مردم بیشتر شایسته‌ی دفاع از عقیده و سنت پیامبر ﷺ را دارید و بر شما لازم است که در راه نشر آن و برداشتن هرگونه بدعتی که بدان راه‌یافته تلاش نمایید.

در پایان لازم می‌دانم که ظهور جمعی دانشجو از میان نوادگان اهل بیت را به همه مژده دهم که با بینشی سلفی در راه تبلیغ دعوت اسلامی قدم برداشته‌اند و مراجعه به کتاب ارزشمند «العقیده فی اهل البیت بین الافراط والتفریط» نوشته‌ی: دکتر سلیمان سجیمی را به همه سفارش می‌کنم.

وصلی الله وسلّم علی محمد و آله وصحبه
والحمد لله رب العالمین

ای اهل بیت رسول خدا محبت شما طبق دستور خداوند در
قرآن فرض و واجب گشته است.
برای عظمت و بزرگی شما همین کافی است که هر کس بر
شما درود نفرستد نمازش پذیرفته نخواهد شد.